



فرا رسیدن سال جدید ۱۳۹۲ و نوروز دل افروز را به شما شادباش میگوئیم



هنگامی که افق بهار دل افروز بر بام زمستان سرد و تاریک نمایان میشود، توده های مردم با شادی و شغف به استقبال اش می روند. چرا که با روئیدن هر گل و سبزه،

نور امید تازه ای در دلها می تابد و امید به زندگی بهتر، برخوردار بودن از آزادی، سلامتی، شادابی و آرزوی زندگی در دنیایی عاری از ستم و استثمار و زور و سرکوب و جنگ و کشتار در دلها زنده میشود. اینها آرزوی میلیونها انسانی است که در سراسر دنیا گرفتار جنگ، عقب ماندگی و اسیر در چنگال

بقیه در صفحه ۵

حمایت از خواست های زندانیان اعتصابی فلسطینی

هشتصد زندانی سیاسی فلسطین در زندانهای اسرائیل در حمایت از اعتصاب غذای سامرعیسای دست به اعتصاب غذا زده اند. سامرعیسای از جمله ۱۴ زندانی است که طی توافق اسرائیل و فلسطینیان برای مبادله زندانیان آزاد شده بود ولی اسرائیل آنها را مجددا بازداشت و زندانی نموده است.

بقیه در صفحه ۵

در این شماره ...

- سال نیکو از بهارش پیداست ... صفحه ۱
- برای آزادی زندانیان سیاسی ... صفحه ۱
- تجمع زنان مخالف اعدام ... صفحه ۱
- پیام تسلیت بمناسبت درگذشت ... صفحه ۱
- فرا رسیدن سال جدید ۱۳۹۲ ... صفحه ۱
- حمایت درخواستهای زندانیان ... صفحه ۱
- ۸ مارس روز جهانی زن ... صفحه ۵
- یاد و خاطره حماسه افرینان ... صفحه ۷
- مراسم پنجاهمین سالگرد ... صفحه ۸

برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو احکام اعدام چه باید کرد؟

یدی شیشوانی

در طول حیات رژیم جمهوری اسلامی صدور احکام اعدام و زندان های طویل المدت برای مخالفان سیاسی ، همواره یکی از حربه های رژیم در مقابله با جنبشهای اجتماعی بوده است. افت وخیر ویا شدت و ضعف این سرکوبگری ها همیشه با ضربان نبض حرکت های اعتراضی از یکسو و بروز بحرانهای داخلی که شورش های اجتماعی را محتمل میکند ، ارتباطی لاینفک داشته است. یعنی تشدید بحرانهای اقتصادی و اجتماعی از یکسو و ناتوانی رژیم در کنترل و هدایت آن از سوی دیگر شاخص شدت و ضعف اقدامات جنایتکارانه رژیم بر علیه فعالین سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و رهبران حرکت های کارگری بوده است.

بقیه در صفحه ۳

تجمع زنان مخالف اعدام

کارآنلاین

در پی اعلام ۱۶۰ حکم اعدام در زندان وکیل آباد مشهد، زنان مخالف اعدام در بهارستان گردهم آمدند

کار کمونیستی آنلاین: این روزها شکاف عمیق طبقاتی، فقر اقتصادی و تبعیض و نابرابری های اجتماعی در ایران که با سرکوب شدید آزادیهای سیاسی و مدنی توأم گشته است، در سطح جامعه وضعیت بسیار خطرناکی را بوجود آورده است.

بقیه در صفحه ۴

پیام تسلیت بمناسبت درگذشت رفیق مجید

باکمال تاسف باخبر شدیم که رفیق مبارز مجید مطبوع صالح، بعد از یک بیماری طولانی در روز سه شنبه ۵ مارس ۲۰۱۳ در بیمارستانی در شهر ماینس آلمان بدرود حیات گفته است. رفیق مجید از جمله انسانهای سوسیالیست و آزادیخواهی بود که سالهای طولانی عمر خود را در صفوف فعالین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران صرف مبارزه برای

بقیه در صفحه ۶

سال نیکو از بهارش پیداست!

خ-عمو اوغلی

در حالی وارد سال ۱۳۹۲ میشویم که وضعیت اقتصادی و اوضاع سیاسی جامعه همچنان و چهار نعل به سمت وخامت بیشتر میتازد. بیکاری ، تورم و گرانی مایحتاج اولیه زندگی ، سایه شوم خود را بر زندگی اقشار محروم جامعه گسترانیده است. بر اساس برآورد کارشناسان موسسات معتبر اقتصادی که به استناد آمارهای ناقص و به بیرون درز کرده دولت در سال ۹۰، یعنی قبل از بحران ارزی و افت ۷۰ درصدی ارزش پول ملی ، برآورد شده است "شاخص فلاکت" در ایران به ۴۴٪ رسیده و رتبه ایران را در بین ۹۲ کشور مورد بررسی به رتبه سوم رسانده است. اما سران نظام و مسئولان امور برای انحراف افکار عمومی و بمنظور شیره مالیدن به سر مردم کارگرو زحمتکش که بیشترین بار این وضعیت را بردوش میکشند ، ازدادن آمارهای دروغ و طرح ادعاهای پرسرو صدا درباره « استقلال اقتصادی و خودکفائی تولیدات داخلی » و دادن وعده های میان تهی کم نمیآورند . مسئولان حکومتی در حالی از رشد اقتصادی حرف میزنند که برخلاف وعده های داده شده در قانون برنامه توسعه که رشد اقتصادی را هشت درصد هدفگذاری کرده بود، حالا مصباحی مقدم، رییس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اعلام کرده رشد اقتصادی کشور منفی است. به عبارت دیگر فعلا و برغم تکذیب نامه های مسئولین نظام و اعلام آمار های به مراتب غیر واقعی از چهره اقتصادی کشور اما نمودار رشد اقتصادی ایران کما کان در سیر نزولی طی طریق میکند و شاخص های اقتصادی نشان میدهد که این رون در سال جدید نیز ادامه خواهد داشت .

باید در نظر داشت که نمودارهای اقتصادی در شرایطی روند نزولی را آغاز کردند، که هنوز تحریم نفتی بصورت امروزه اعمال نشده بود و دولت از طریق صادرات نفت به منابع عظیم ارز دسترسی داشت و با تزریق پول نفت تلاش داشت اقتصاد بیمار کشور را سرپا نگهدارد و هنوز قیمت دلار ۸۵۰ تومان تا ۳۰۰۰ تومان افزایش نیافته بود. اکنون که در نتیجه اعمال تحریمات نفتی از حجم صادرات نفت کاسته میشود ، دولت مدعی است که بوجه سال جدید را به درآمد نفتی متکی نخواهد کرد. اما پرسیدنی است دولتی که برغم صادرات نزدیک به دوینم میلیون بشکه نفت در روز حاصل کارش توری

بقیه در صفحه ۲

سال نیکو از بهارش پیداست!

دورقمی به همراه رکود را ارمغان آورده است، در شرایط پائین آمدن درآمد نفت و سقوط ارزش ریال در برابر ارزهای خارجی، این بار چه گلی بر سر اقتصاد کشور خواهد زد؟

ظاهرا طبق قانون برنامه چهارم، دولت مجاز بوده تنها ۱۶/۵ میلیارد دلار از درآمد نفت را هزینه کند. آن هم با هدف رشد هشت درصدی در اقتصاد و رشد ۱۲ درصدی در زمینه تشکیل سرمایه بطوریکه نرخ تورم و بیکاری از مرز یک رقمی عبور نکند. اما گویا اینها وعده های سرخرمن بیش نبودند چراکه دولت به جای تعهد خرج ۱۶/۵ میلیارد دلار، سالانه بیش از ۶۰ میلیارد دلار هزینه کرد. درحالیکه هیچکدام از وعده های داده شده متحقق نگردید. مسئولان امور برای مخفی نگهداشتن شکست های برنامه ای به دروغ وریا متوسل میشوند و آمارهای واقعی از نرخ تورم و بیکاری و گرانی را که مردم باگوش و پوست خود آنها را لمس و از عوارض اش در رنج و عذاب اند، پنهان میکنند و یا با ارائه آمارهای دروغ میخوانند ذهنیت جامعه را از آنچه که بر سر اقتصاد کشور و معیشت توده های مردم آورده اند، منحرف کنند.

بعنوان مثال در سالی که گذشت نرخ بیکاری از زبان مسئولان کشور نظیر وزیر کار در حالی ۱۴ درصد اعلام میشود که دبیر کل خانه کارگر آنرا بیش از ۳۰ درصد میدانند. در حالی که درصد واقعی بیکاری خیلی بالاتر از ۳۰ درصد است و اگر به این آمارها بیکاریهای پنهان هم اضافه شود، نرخ بیکاری مرز ۴۰ درصد را خواهد گذشت. متأسفانه آمارهای واقعی از مردم مخفی نگهداشته میشوند. با توجه به ممنوعیتی که بیش از دوسال است بر انتشار علنی آمارهای اقتصادی اعمال میشود، دست یافتن به آمارهای واقعی بسیار مشکل است اما از لابلای سخنرانیها، افشاگریها و مقالات نشریات رسمی میتوان به ابعاد فاجعه پی برد. برخی نشریات نرخ بیکاری و تورم را بر اساس ارزیابی از سایر متغیرهای اقتصادی نظیر نرخ تعطیلی بیش از ۱۰ هزار واحد صنعتی در سال ۹۱ محاسبه کرده اند و معتقدند که تحریمها و بی کفایتی دولت موجب نرخ تورم بیش از ۱۰۰ درصد و نرخ بیکاری بیش از ۴۵ درصد شده است.

سایت اقتصاد آنلاین درباره گزارش مجله اکونومیست پیرامون فلاکت اقتصادی می نویسد: "در کشوری که انتشار نماگرهای اقتصادی گاه به گاه «فقل» می شود و برای محاسبه شاخص های اقتصادی، هیچ چیز در دسترس نیست؛ حتی صحبت کردن از روند طی شده «شاخص فلاکت» در سال ۱۳۹۱، کار سختی است. آخرین باری که مرکز آمار ایران نرخ بیکاری را اعلام کرده، تابستان گذشته است. مرکز آمار پس از یک دوره متوالی مناقشه بر سر مرجع انتشار نرخ بیکاری، با تاخیری چندماهه، نرخ بیکاری دوره زمستان ۱۳۹۰ را ۱/۱۴ درصد اعلام کرد. بانک مرکزی نیز، انتشار آمار نرخ بیکاری را چندی است که «متوقف» کرده و مرجع اعلام نرخ تورم شده است.

حال قرار است در این شرایط مبهم و با اطلاعات ناقص، چه اعدادی برای «شاخص فلاکت» تعریف شود؟ شاخص فلاکت یک نشانگر اقتصادی است که فرمولی بسیار ساده دارد: کافی است نرخ تورم و بیکاری را با یکدیگر جمع کنید تا شاخص فلاکت به دست بیاید. به تازگی نشریه «اکونومیست» رتبه بندی کشورها را بر اساس شاخص فلاکت انجام داده است که البته با استناد به آمارهای سال ۲۰۱۱ میلادی به دست آمده است. این رتبه بندی مربوط به ۹۲ کشور جهان است و با توجه به آمار نرخ تورم و بیکاری در سال ۲۰۱۱ میلادی، ایران را با عدد شاخص ۴۴ درصد، در رتبه سوم قرار داده است.



این منبع مینویسد: بانک مرکزی آخرین رقم تورم در بهمن ماه را به میزان ۲۹/۸ درصد اعلام کرده است. با توجه به نرخ بیکاری ۱/۴ درصدی و از آنجا که از مجموع این دو شاخص، نشانگر فلاکت مشخص می شود، می توان گفت رقم شاخص فلاکت با همین اطلاعات موجود به مرز ۴۴ درصد رسیده است. یعنی با گذشت سه ماه از سال ۲۰۱۳ میلادی، شاخص فلاکت نزدیک به ۱۱ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۱ میلادی است. در سالی که گذشت، شاخص فلاکت در یک منحنی صعودی به کار خود پایان داد. آنچه در نمودار شاخص فلاکت در سال ۱۳۹۱ رخ داده؛ نشان از کوتاه نیامدن هیچ کدام از دو شاخص تورم و بیکاری داشته است. به گونه ای که «رکود تورمی» با خوردن «چوب و پیاز» شکل گرفته است.

سایت فرارو نیز ارزیابی دیگری از روند نرخ تورم و خط فلاکت اقتصادی ارائه میدهد. سایت فرارو مینویسد: «در سال گذشته، نوسان نرخ ارز، ارزش پول ملی را کاهش داد و به تبع اجرای هدفمندی یارانه ها، هزینه های تولیدی بالاتر رفت. به گواه گزارش های فعالان کارگری و کارفرمایی، بسیاری از واحدهای تولیدی در معرض ورشکستگی و تعطیلی قرار گرفت. آخرین گزارش بانک مرکزی از «شاخص قیمت تولیدکننده» نشان می دهد هزینه های تولید نسبت به مهرماه سال گذشته ۱/۳۳ درصد افزایش یافته است. ضمن اینکه رشد شاخص بهای تولیدکننده در طول یک ماهه شهریور تا مهر امسال به رقم بی سابقه ۲/۸ درصد رسیده است. پس از رشد ۳/۸ درصدی در اردیبهشت ۱۳۷۴ و رشد ۳/۱۵ درصدی در دی ماه ۱۳۸۹ این رقم بالاترین رقم رشد ماهانه در ۲۳ سال گذشته به حساب می آید. همین سایت در ادامه مینویسد: به طور کلی افزایش شاخص قیمت تولیدکننده منجر به افزایش شاخص تورم می شود و افزایش تورم نیز به طور خودکار بر تصمیمات بانک مرکزی تأثیر مستقیمی دارد؛ بنابراین هر چقدر شاخص

بهای تولیدکننده نسبت به پیش بینی ها افزایش یابد انتظار تقویت قیمت ها وجود دارد. شاید در شرایط رکود تورمی، صنایعی مانند صنایع غذایی و برخی از صنایع پایین دستی بخش نفت و بخش هایی که کمترین نیاز را به کالاهای وارداتی دارند سودآوری خوبی داشته باشند؛ اما ادامه چنین وضعیتی میتواند به حذف بسیاری از واحدهای صنعتی فعلی بینجامد و جایگزین کردن این واحدها نیز در میان مدت غیرممکن خواهد بود.

مهدی تقوی، یک استاد دانشگاه درباره «رکود تورمی» معتقد است: «تبعات افزایش قیمت ارز و گسترش دامنه تحریم ها با دوام خواهد بود. برای مثال عدم پرداخت یارانه ۳۰ درصدی تولید باعث اختلال در کار تولید شد، در نتیجه میزان تولید کاهش و میزان بیکاری افزایش یافت. این وضعیت رکود - تورمی در سال آینده هم ادامه خواهد داشت از سوی شوک افزایش هزینه تولید بنگاهها و از سوی دیگر شوک افزایش قیمت ارز برای واحدهایی که وابسته به مواد اولیه وارداتی بودند وضعیتی را به وجود آورد که در سال ۹۲ همچنان تولید را با مشکل مواجه خواهد کرد. اجرای فاز دوم هدفمندی می توانست به این مشکلات در سال ۹۲ دامن بزند و نمایندگان با توقف این طرح به طور موقت از ایجاد یک وضعیت رکود - تورمی شدیدتر در سال ۹۲ جلوگیری کردند».

از سوی دیگر مهدی غضنفری وزیر صنعت، نیز چند روز پیش، سال ۱۳۹۱ را سالی سخت توصیف کرده و خبر داده بود: «در سال گذشته باید ۱۰۰ میلیارد دلار ارز نفتی وارد اقتصاد می شد که تنها ۵۰ میلیارد دلار آن محقق شد».

حال در شرایطی که بار بحران لاینحل سال گذشته بر درب سال جدید دق الباب میکند، میتوان حدس زد که اوضاع اقتصادی بحرانی تر و به تبع آن وضعیت معیشت توده های مردم باز هم سخت تر و توان فرساتر خواهد بود.

فرشاد مومنی، کارشناس اقتصادی در باره وضعیت اقتصادی ایران به «شرق» می گوید: «اگر روند تصمیم گیری های دولت مهار شود و پس از این بر اساس علم، قانون و برنامه سیاستها اتخاذ و اجرا شود، ظرف ۱۰ سال می توان خسارات را جبران کرد.» مومنی با بیان اینکه درک و ادعان به رشد اقتصادی منفی قابل توجه است، تأکید می کند: «... کانون اصلی ناهنجاریهایی است که از گذشته بوده و اکنون ابعاد گسترده و بی سابقه ای پیدا کرده که از آن جمله می توان به بی انضباطی بی سابقه دولت و افراط در توزیع رانت از طریق صدور مجوزهای واردات اشاره کرد. تصور می شود این دور باطل شدت یافته و تورم رکودی بیش از هر چیز تحت تأثیر سیاستهای ثبات زدایی است که دولت اتخاذ کرده و به قیمت مشکلات بیشتر در آینده تمام می شود».

دولت نه برای مهار تورم بلکه بمنظور مقابله با تبعات اجتماعی آن به تزریق پول که با افزایش نقدینگی توأم است، دست زد، اما این سیاست جز به نفع مافیای ثروت و قدرت و گرانی و فلاکت

بقیه در صفحه ۱۱

برای آزادی زندانیان سیاسی ...

سالهای اخیر تشدید بحران اقتصادی از یکسو و تنگ تر شدن حلقه محاصره اقتصادی از سوی دیگر، تاثیر زیادی در زندگی و سطح معیشت کارگران و اقشار محروم جامعه برجای گذاشته است. دولت و سرمایه داران بار سنگین این بحران را بردوش طبقه کارگر و اقشار زحمتکش جامعه سرشکن کرده اند. در نتیجه افزایش تورم، بیکاری، هزینه های سرسام آور مسکن، بهداشت و مایحتاج عمومی وضعیت فوق العاده دشواری را برای کارگران، زحمتکشان و اقشار محروم جامعه بیار آورده است. اوضاع اقتصادی و زندگی اجتماعی توده های کار و زحمت در حالی رو به وخامت بیشتر می رود که علاوه بر میلیونها بیکار و بیکار شده و نیز انبوه میلیونی جوانان جویای کار، کارگران شاغل نیز دسته دسته از کار اخراج میگردند و یا ماه ها از دریافت حقوق و دستمزد های اندک خود نیز محروم میشوند. در مقابله با فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بطور طبیعی اشکال مختلف اقدامات اعتراضی، نظیر اعتصابات کارگری، تحصن کارمندان و حقوق بگیران جزء، کسبه، پیشه وران، کشاورزان، جوانان نیز گسترش یافته است. جمهوری اسلامی مثل همیشه در مقابله با اعتراضات اجتماعی، سیاست سرکوب، دستگیری، فعالین کارگری، روزنامه نگاران و نویسندگان و هنرمندان و مبارزان علیه ستم ملی را تشدید کرده است تا این اقدامات اعتراضی را در نطفه خفه کرده و مانع از گسترش آن گردند. دستگیری های گسترده فعالین کارگری، دانشجویان، جوانان، هنرمندان، روزنامه نگاران و فعالین ملیت های تحت ستم و استثمار شدت یافته است. صدور احکام اعدام و زندانیهای طویل المدت از جمله اقدامات رژیم برای مقابله با خواست های توده های زحمتکش مردم و سرکوب حرکت های اعتراضی آنها است.

در شرایط کنونی تشدید مجموعه این اعمال سرکوبگرانه بیانگر چیزی نیست جز ایجاد جورعب و وحشت در جامعه و جلوگیری از شکل گیری جنبشهای اجتماعی آذیخواهانه و برابری طلبانه ای است که در صورت رشد و غلیان خود میتواند موجودیت رژیم را با خطر بحران و فروپاشی مواجه سازند.



اهمیت و جایگاه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بررسی روند مبارزات سیاسی برای آزادی و برابری در کشورهایی که هنوز نتوانسته اند وارد فاز دموکراتیک شوند، نشان میدهد که در این کشورها نه تنها مبارزات اقشار مختلف مردم برای آزادیهای سیاسی و مدنی با سد دیکتاتوری و سرکوب مواجه میشوند، بلکه مبارزات صنفی و اقتصادی نیز بلافاصله در پشت دیوار استبداد و سرکوب زندان از حرکت باز میمانند و نمیتوانند از طریق متشکل شدن و انسجام دادن به اعضای خود توازن قوا را به نفع تحقق مطالبات خویش برهم زنند. در جریان این رویارویی است که بواسطه نبود تشکل و تحزب، رژیم تلاش میکند از طریق شناسایی و دستگیری رهبران و عناصر فعال و سازمانده این حرکات، توده های معترض و به پاخاسته را از عناصر رهبری و هدایت کننده و سازمانده خویش محروم کرده و آنها را وادار به تسلیم نماید. در چنین شرایطی امر زندانیان سیاسی و آزادی آنها هم با خواست آزادی های سیاسی و هم تحقق مطالبات اقتصادی و صنفی گره میخورد و در مبارزه سیاسی و طبقاتی به جلوی صحنه رانده میشود. به همین دلیل مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و مبارزه علیه شکنجه و اعدام به یکی از اثرگذار ترین وجه مبارزه برای آزادی های سیاسی، مدنی و مبارزه برای عدالت اجتماعی تبدیل میگردد. مبارزه ای که همزمان عناصر بسیج کنندگی توده ای را در درون خود نهفته دارد، روحیه همبستگی میان بخش های مختلف جنبش های اجتماعی و عناصر پیشرو و پیشبرنده آنها را تقویت میکند و قدرت تبلیغ و ترویج و افشای نظام حاکم را در داخل و در سطح بین المللی افزایش میدهد. از این رو احزاب و سازمانها و تشکلهای سیاسی، بویژه جریانات انقلابی و کمونیست میباید نقشه و برنامه معینی را برای مبارزه جهت آزادی زندانیان سیاسی و لغو احکام اعدام تدوین کرده و تاکتیک های معینی را نیز برای پیشبرد عملی آن در دستور مبارزات خود قرار دهند. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو احکام اعدام البته پدیده جدیدی نمیتواند باشد. تاریخ این مبارزه به قدمت سلطه حکومت های استبدادی و سرکوبگر در ایران است. اما آنچه که اکنون اهمیت دارد تلاش برای بسیج بیشترین نیرو و سوق دادن آن از دایره اقدامات انفرادی در سطح عناصر پیشرو به سطح اعتراضات توده ای است. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو احکام اعدام، بصورت پراکنده و خود بخودی

تاثیرات لازمه رابار نمیآورد و از طرفی تفکیک زندانیان سیاسی به کارگر و کمونیست و یا طیف های خاصی از زندانیان سیاسی و دنباله روی از فراخوان های این و یا آن محفل و گروه که اغلب بدون برنامه ریزی و تحلیل مشخص از شرایط مشخص و انتخاب زمان مناسب، داده میشوند، در عمل نه تنها قدرت بسیج کنندگی خود را از دست میدهند و تاثیرگذاری اینگونه اقدامات را به حد اقل میرسانند، بلکه فراموش کردن سایر زندانیان سیاسی و برخورد تبعیض آمیز میان زندانیان و نیز انتخاب زمانهای نامناسب برای این اقدامات، تاثیرات منفی در افکار عمومی برجای میگذارد. تجربه نشان داده است که به کارگیری چنین روش هایی هیچگاه به یک حرکت توده ای و اعتراض همگانی تبدیل نمیکردد. نباید فراموش کرد که مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو احکام اعدام، یک مبارزه دموکراتیک و خواست اکثریت جامعه است که اتفاقا هر اندازه پیروزی در این مبارزه بدست بیاید، بیشتر از همه این طبقه کارگر و اقشار محروم جامعه هستند که از دست آورد های آن در جهت تشکل یابی و کسب مطالبات اقتصادی و سیاسی خود سود خواهند برد. این یک خطای استراتژیک و نابخشودنی است که در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی میان دستگیرشدگان جنبشهای سیاسی و اجتماعی مختلف، نظیر جنبش کارگری، دانش جویان، جوانان، روشنفکران، هنرمندان، نویسندگان و گروه هایی که برای رفع ستم مللی و برای حق تعیین سرنوشت مبارزه میکنند و یا به خاطر تبعیضات ملی، جنسی، و مذهبی دستگیر و زندانی میشوند، تفکیک قائل شده و درحالیکه یکی را عمده میکنیم دیگری را به فراموشی بسپاریم. به کارگیری چنین روشی در عمل نقض غرض بوده و هیچ کمکی به پیروزی مبارزه برای آزادی و برابری نخواهد کرد. علاوه برآن باتوجه به اهمیت مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، لازم است اتحاد عمل های وسیع تری را سازمان داد و از طریق تبلیغ مداوم اقشار اجتماعی مرتبط را تشویق به اقدامات متحد نمود و آنها را از اقدامات انفرادی و بصورت گروه های کوچک و آکسیونهای مجزا، برحذر داشت. دنباله روی از اقدامات افراد منشانه گروهی و فراخوان هایی که نه از تحلیل همه جانبه اوضاع منتج شده و نه زمان مناسب و تاثیرگذاری برای آن در نظر گرفته شده است و نه پیرامون عملی بودن و ثمر بخش بودن اقدام مفروض باندازه کافی تحلیل و بررسی انجام گرفته است، در عمل نتیجه معکوسی ببار خواهد آورد. اتخاذ تاکتیک ها و روش های عملی میباید از تحلیل اوضاع مشخص در شرایط معین نتیجه شده و در راستای استراتژی معینی طی طریق بکند، در سازماندهی اقدامات عملی لازم است از دنباله روی از تمایل این و یا آن محفل و گروه و یا تبعیت از روح فرقه گرایانه برحذر بود و به جای صرف انرژی و امکانات در اقداماتی کور و پراکنده و بی تاثیر، میباید حرکت ها و اقداماتی را زمینه سازی کرده و سازمان داد که به اندازه کافی بسیج گر و تاثیرگذار و ادامه دار باشد تا هر بار توده های وسیعتری تمایل داشته باشند که برغم اختلاف نظرات و تفاوت در دیدگاه ها، در آن مشارکت کنند.

بقیه در صفحه ۱۱



کار، مسکن، آزادی



تجمع زنان مخالف اعدام ...

اعتیاد، فحشا، تجاوز، خودسوزی، خودکشی، قاچاق مواد مخدر، زدی، فروش اعضای بدن بمنظور رفع نیازهای روزمره به ناهنجاریهای اجتماعی را از آنچه که بود دامنگیرتر کرده و زندگی خانواده های اقشار ضعیف به لحاظ اقتصادی و محروم جامعه را در هم نوردیده است. مافیای قدرت و ثروت و دستگاه دولتی سرکویگر آن که خود درفسادی همه جانبه غرق است طبیعتاً به جای چاره اندیشی دستگیری و زندان و اعدام کسانی را درپیش گرفته است که خودقربانی نظام حاکم هستند قربانیانی که در نتیجه بیکاری، گرانی و نبود هیچ گونه مرمدرآمدی، در دام قاچاقچیان مواد مخدر میافتند و یا قربانی بند و بست مجرمین اصلی با پلیس و مقامات قضائی شده و به جای مجرم اصلی به دار آویخته میشوند. گزارش زیر تنها گوشه ای از فجایع و گرفتاری های روزمره خانواده های این قربانیان را از زبان خود آنها بیان میکند. اعتراض اجتماعی زنان و خانواده هائیکه نه تنها از دید و کمک و همیاری و پشتیبانی سایر مردم بی بهره هستند بلکه اعتراضات خودسازماندهی شان از دید جریانات سایت تا قانون خانواده برابر: برای اعتراض به بند اضافه شده اجازه ولی برای سفر دختران مجرد به خارج از کشور در لایحه گذرنامه و خواست حذف اجازه همسر برای سفر زنان متأهل به خارج از کشور دوشنبه ۷ اسفند به مجلس رفتیم. زنانی دور تا دور ردیفی که نشسته ام جمع می شوند. تعدادشان نظرم را جلب می کند. می پرسیم شما برای چه آمده اید؟ اول اعتماد نمی کنند. زنی می گوید برویم بیرون جلوی در بیایسیم.

از کجا آمده اید؟ زنی مسن می گوید از مشهد. اگر می خواهید نماینده شهرتان را ببینید باید وقت بگیرید. از کجا؟ از آن گیشه، زنی را که جوان تر است به سمت گیشه ای که برای استان خراسان رضوی وقت می دهد، راهنمایی می کنم. شماره های نماینده ها به شیشه زده شده است می گویم با این ها باید تماس بگیرید. دوباره می پرسیم برای چه آمده اید؟ زن مسن تر می گوید برای نجات جان بچه هایمان، برای نجات جان شوهرانمان، به خاطر جگرگوشه هایمان؛ برای این که اعدامشان نکنند.

فرزندتان حکم اعدام دارد؟ بله ۱۶۰ نفر زیر حکم اعدام هستند. کجا؟ در زندان وکیل آباد مشهد، بند ۱۰۱. تازه یک سری را اعدام کرده اند. می خواهند بروند بیرون. می گویم بهتر است یکی از شما سعی کند وقت بگیرد. می گویند برویم بیرون بهتر است. می گویم من روزنامه نگارم. همین جمله کافی است تا دردهایشان سر باز کند. چند تایی می نشینند. چادری هستند. یکی می گوید: ۴۰ نفر هستیم که با یک اتوبوس آمده ایم. قبلاً بیشتر بودیم در راه برخی را ترساندند و آن ها برگشتند. در زندان با هم آشنا شده ایم. اول رفتیم بیت. بعد رفتیم قوه قضائیه، گفتند بروید مجلس با نماینده شهرتان حرف بزنید و نامه ای از نماینده تان برای ما بیاورید. امروز آمده ایم مجلس ببینیم چه می شود کرد. زن جوانی می رود که وقت از نماینده مشهد بگیرد

و دیگری که در صندلی پشتی من نشسته داستان دستگیری شوهرش را تعریف می کند. می گوید: شوهرم فقط اعتراف کرده که مواد داشته و گرنه هیچ موادی از او نگرفته اند و الان به او حکم اعدام داده اند. صاحبخانه ای که شوهرم آن جا بوده ۱۵ کیلو مواد داشته است او تیرنه شده اما به شوهر من حکم اعدام داده اند. ۳۰ ساله است و شوهرش هم ۳۵ ساله. دو پسر دارد. یکی ۷ ساله و دیگری ۱۱ ساله و هر دو می دانند قرار است پدرشان اعدام شود. شوهرش دوسال و دو ماه است که در زندان است. اشک هایش روان می شود و می گوید انگار من قاضی بوده ام و حکم اعدام داده ام. مادر شوهرم مرا با بچه ها از خانه بیرون کرده است. هر روز صبح دنبال پرونده شوهرم می دوم. الان تجدید نظرش هم اعدام است. همسایه ها که نمی دانند شوهرم به چه جرمی در زندان است. اصلاً نگفته ایم که زندان است. چه بگوییم؟ مردم چه فکر می کنند؟ هر روز صبح می زدم بیرون، شب برمی گردم. مردم برای آدم حرف در می آورند. می پرسیم شوهرت سابقه داشته؟ بله یک بار دیگر هم فقط اعتراف کرده بوده اما موادی نداشته است. ما نمی گوییم مجازات نشوند اما اعدام نکنند. حبس ابد بدهند. تبعیدشان کنند اما اعدام نکنند. حبس ابد بدهند تا بچه ها حداقل ماهی یا سالی یکبار پدرشان را ببینند.

دوباره می روند بیرون. ما هم می مانیم تا صدای اعتراض خود را در مورد شروط جدید لایحه گذرنامه به اطلاع بهارستان نشینان برسانیم. بعد از صحبت با فاطمه رهبر رئیس فراکسیون زنان مجلس، زمانی که داریم مجلس را ترک می کنیم، می بینم که پلیس، زنان را به سمت مترو بهارستان رانده است. ماشین پلیس که رد می شود می روم سراغشان. سعی می کنم با آن ها صحبت کنم.

زنی می گوید: دوسال و دو ماه است که برادرم در حبس بسر می برد. یک سال از ازدواجش گذشته بود که دستگیر شد و الان یک بچه دوساله دارد. برادرم مسافرخش است و ۳۱ ساله، مسافر مواد داشته و در درگیری با ماموران کشته می شود. ماموران برادر مرا دستگیر می کنند. دیگری می گوید: دو پسرم شهید شده اند. این پسرم گول خورده، فریب خورده است. مجازاتش کنید اما اعدامش نکنید. زن جوانی هم می گوید: شوهرم را اعتراف کرده اند. زن ۲۵ ساله است و همسرش ۳۰ ساله. می گوید همه این ۱۶۰ نفری که حکم اعدام گرفته اند زیر ۴۰ سال سن دارند. یک دختر ۴ ساله و یک پسر ۷ ساله دارد. شوهرت چقدر مواد داشته؟ مواد نداشته، اعترافش کرده اند. یعنی خودش اعتراف کرده؟ نه دیگری را گرفته اند او گفته شوهر من مواد داشته. شوهر من هم مواد نداشته، این را زنی با لهجه غلیظ مشهدی عنوان می کند. چند نفر دیگر را گرفته بودند اما انداخته اند گردن شوهر من. آن هایی را که ابتدا دستگیر کرده بودند، ول کردند به جای شوهر مرا گرفتند. شوهر شما سابقه داشته؟ نه سابقه نداشته پس چطوری گرفتنتش؟ نمی دانم.

زنان دورم جمع شده اند و همه باهم داستان دستگیری مردانشان را تعریف می کنند. یکی که از همه مسن تر است می گوید آن موقع که انقلاب کردیم آدم های خوبی بودیم اما الان هیچ کس حاضر

گوش کند. ما فقط می خواهیم حرفمان را بزنیم. می خواهیم در حکمشان تخفیف بدهند. یکی از آن میان می گوید باید زنگ بزنیم به «بی بی سی» و من می اندیشم بدا به حال نمایندگانی که گوش هایشان را گرفته اند و اجازه می دهند رسانه ای بیگانه راوی وقایع شود. ۴ روز است زیر بارون و آفتاب نشسته ایم، دخترجون وقتی رفتیم قوه قضائیه نگذاشتند همه ما برویم داخل. گفتند فقط سه نفر بروند. به ما گفتند بروید ۱۵ روز دیگر بیایید اما سرکاری است.

قاضی القضاات این گزارش را به سختی نوشتیم با کابوس زنان و بچه هایی که عزیزانشان زیر حکم اعدام هستند. گزارش نوشتن برای من لذت بخش است اما این گزارش بدترین و سخت ترین گزارشی بود که تا به امروز نوشته ام. دوست داشتم می توانستم عمق درد و رنج این زنان را بیان کنم. می دانم که نتوانسته ام. می دانید بارها زنگ زده اند به من و سراغ این گزارش را گرفته اند. از زمانی که داستانشان را شنیده ام از بلایی که دارید سر یک عده خانواده می آورید بدون در نظر گرفتن عواقبی که برای آنان و جامعه دارد، روزهای سختی را گذارنده ام. شما که قاضی هستید تا حالا دچار کابوس نشده اید؟ شب ها راحت می خوابید؟ چندی پیش در مورد اعدام های مخفی این زندان گفتید که مخفیانه اعدام نمی کنیم حال آن که شاهدان می گفتند اعدام های زیادی در این زندان می شود یکی از آن افراد هم احمد قابل بود.

می دانم قضاوت کار سختی است. باید طرف دیگر را هم در نظر داشت. صدای دردمند مادرانی را که فرزندانشان قربانی مواد افیونی شده اند را هم باید شنید. زنانی که شوهرانشان معتاد شده اند، زنانی که پدرها و برادرهایشان آنان را معتاد کرده اند و زندگی هایی که ممکن است این مردان از هم پاشیده باشند را هم باید دید. نمی شود گزارش را هم یک سویه نوشت. گزارش باید دو سویه باشد. امروز در اتوبوس یک جوان معتاد را دیدم که می گفت دیگر پاک است. می گفت ۱۵ هزار تومان بدهید تا بروم شهرم! می دانید چندی پیش از کنار خیابان مصطفی خمینی جایی که معروف به «سید اسماعیل» است، می گذشتم. کنار خیابان ردیف نشسته بودند جوانانی که کراک می کشیدند در روز روشن! کلانتری هم زیاد دور نیست از این مکان. بی خبر هم نباید باشند. خبری که زیاد شنیده می شود حکم اعدام و مجازات قاچاقچیان خرده پاست نه حتی قاچاقچیان دم کلفت (البته من کلاً با اعدام مخالف هستم). قاضی القضاات اعدام این مردان راه حل نیست.

بقیه در صفحه ۵



حق مال در تعیین سر نوشت خویش تا جدائی کامل

تجمع زنان مخالف اعدام ...

اعدام این مردان در حکم مجازات خانواده های آن هاست. زانی که سواد چندانی ندارند با فرزندان قد و نیم قد در این اوضاع اقتصادی باید چکار کنند؟ آیا مجبور نمی شوند تن به خودفروشی و فروش مواد مخدر بدهند؟ می اندیشم اعدام این مردان چقدر می تواند به بازتولید بزه و جرم و جنایت در جامعه بیانجامد؟ کودکانی که از حضور پدر محروم می شوند در آینده آیا ضد اجتماعی نخواهند شد؟ آیا به تعداد کودکان کار افزوده خواهد شد؟ آیا مجبور نمی شوند تحصیل را رها کنند؟ برخی از آن ها فرزندان دانشجو داشتند چگونه بعدها می توانند این دانشجویان امروزی سر بلند کنند در جامعه؟ آن هم در جامعه ای که مردم راحت دیگران را قضاوت می کنند و به هم انگ می زنند. بهتر نیست سیستم اعتراف گیری و مجازات قاچاق چپان را عوض کنید؟ شما که مدام از تحکیم بنیان خانواده می گوئید با این اعدام های بی رویه آیا بنیان خانواده ها مستحکم تر می شود؟ باور کنید اعدام راه حل و چاره نیست. راه حل می تواند جایگزینی عدالت ترمیمی به جای عدالت کیفری باشد. عدالتی که دوسویه است.



بقیه از صفحه اول

پیام تسلیت بمناسبت درگذشت ...

آزادی و سوسیالیسم نمود. رفیق مجید بعد از ترک فعالیت تشکیلاتی نیز همچنان یکی از فعالین چپ محل سکونت خود محسوب میشد. مجید انسانی بود مهربان، مبارز و فداکار که علیرغم مشکلات عدیده سرراه، اما هیچگاه از مبارزه بر علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب دست نکشید. رفیق مجید هر چند که سالهای اخیر فعالیت مستقلی داشت ولی هیچگاه در برابر فعالیت و تلاشهای سازمانها و تشکلهای کمونیستی خود را بی وظیفه احساس نکرد. او با توجه به اهمیتی که در شرایط کنونی برای اتحاد نیروهای چپ و کمونیست قائل بود، برغم دوری راه در اولین نشست علنی نیروهای سیاسی چپ و کمونیست در شهر گوتنبرگ سوئد، تحت عنوان «از قیام تا قیام» که از سوی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست فراخوان داده شده بود، شرکت فعال نمود و با علاقه و حساسیت فراوان بحث ها را دنبال میکرد. رفیق مجید در هنگام مباحث برنامه ای اتحاد فدائیان کمونیست، در این مباحث شرکت فعال داشت و می با پیشنهاد خود مبنی بر تغییر فورمولبندی «حق تعیین سرنوشت ملل تاسرحد جدائی» خواستار این شد که

بقیه از صفحه اول

حمایت از خواست های زندانیان ...

سامر عیسوی ۱۰ سال از عمر خود را در زندان گذرانده بود. ۱۵ آوریل ۲۰۰۲ هنگام حملات متعدد نظامی اسرائیل به شهرهای فلسطینی از جمله جنین و نابلس (ساحل غربی) دستگیر شد. او را به ۳۰ سال زندان محکوم کردند. سامر عیسوی در اعتراض به این حک غیر عادلانه مدت طولانی است که در اعتصاب غذا به سر میبرد و طبق گزارشات منتشره او هم اکنون قدرت بینایی و تکلم خود را از دست داده و جان اش در خطر است و این در حالی است که مقامات اسرائیلی کوچکترین ترتیب اثری به خواست این زندانی و سایر زندانیان سیاسی اعتصابی نداده است. زندانیان فلسطینی در زندانهای اسرائیل از حضور و ملاقات با خانواده های خود محروم هستند. نگهداری طولانی مدت زندانیان سیاسی در سلول های انفرادی، اعمال انواع شکنجه در بازجوییها و محروم کردن زندانیان از درمان و تغذیه مناسب از جمله روش های شناخته شده ای هستند که در مورد زندانیان فلسطینی بشدت اعمال میشوند. به همین خاطر زندانیان فلسطینی هر از گاهی بادیست زدن به اعتصاب غذا تلاش کرده اند تا افکار عمومی جهان را متوجه فشار و آزار و اذیتی بکنند که در زندانهای اسرائیل بر آنها روا داشته میشود.

ما ضمن اقدامات ضد انسانی اسرائیل درباره زندانیان فلسطینی را محکوم کرده و از خواست های زندانیان سیاسی فلسطینی پشتیبانی میکنیم.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۵ اسفند ماه ۱۳۹۱

**۸ مارس روز جهانی زن را با تشدید مبارزه علیه مردسالاری گرامی داریم**

یکصد و سومین سالگرد هشتم مارس روز جهانی زن را به همه زنان و مردانی که در راه نابودی ستم جنسیتی و تبعیض علیه زنان مبارزه میکنند، شادباش میگوئیم.

هشتم مارس روز تجلی مبارزه جهانی علیه تبعیض جنسیتی و نابرابری زنان است. هشتم مارس جامعه بشری را فرا میخواند تا مهر ننگین ستم بر زنان و تبعیض جنسیتی را از پیشانی خود پاک کنند. هشتم مارس همچنین افشاگر آن مناسبات ارتجاعی و پوسیده زن ستیزی است که مدافعین آن در قالب

بقیه در صفحه ۶

در این فورمولبندی تغییراتی صورت گیرد و به جای «تاسرحد جدائی» جدائی کامل نوشته شود، چراکه معتقد بود، تعیین کردن حدود غیردموکراتیک بوده و ناقض حق تصمیم گیری ساکنین مناطق ملی است و پیشنهاد کرد که از برنامه حذف شود و به جای آن فورمولبندی «حق تعیین سرنوشت ملل تاجدائی کامل» آورده شود که این فورمولبندی به تصویب شرکت کنندگان درکنگره رسید و در برنامه سازمان گنجانده شد. و رفیق مجید با پیشنهاد این تغییر نشان داد که همچون یک کمونیست واقعی دردموکرات بودن هم انسانی است پی گیری. با در گذشت رفیق مجید جنبش چپ، آزادیخواه و سوسیالیست ایران یکی از فعالین خستگی ناپذیر خود را از دست داد. ما درگذشت رفیق مجید را به به همسر، فرزندان، خانواده و سایر بازماندگان و رفقای همزم وی تسلیت میگوئیم، یادش گرامی و راه اش پرر هو باد.

روابط عمومی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

دوشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۱ - ۶ مارس ۲۰۱۳



بقیه از صفحه اول

فرارسیدن سال جدید ۱۳۹۲ و ...

حکومت های استبدادی و نظامهای طبقاتی هستند. در کشور ما نیز هر سال میلیونها نفر نوروز را جشن میگیرند. دید و بازدیدهای نوروزی برای توده های زحمتکش مردم فرصتی است تا آمال و آرزوهای خویش را با هم طبقه ای های خود در میان بگذارند و در غم و شادی هم شریک شوند. چنین است که نوروز به تبلوری از همبستگی و تلاش انسانها برای تغییر و مبارزه برای ساختن دنیایی بهتر، دنیایی عاری از ستم و استثمار، زور و سرکوب و جنگ و کشتار تبدیل میشود.

در ایام نوروز، زندانیان سیاسی و خانواده های آنها را فراموش نکنیم، فراموش نکنیم خانواده هائی را که گرانی، بیکاری، بی مسکنی به فقر و فلاکت شان کشانده است و فراموش نکنیم کودکان بی سرپرست، کودکان کار و آنهاست که در این ایام نوروز سفره شان خالی و دلشان در آرزوی یک زندگی انسانی پرپر میزند.

نوروز و سنت زیبا و پر بار دید و بازدیدها فرصت گرانبهائی است. این فرصت را مغتنم شمرده و با اشاعه آگاهی و فرهنگ گفتگو، تشکل، مبارزه و مقاومت در میان مردمان کارگر و زحمتکش، بویژه جوانان، چشم انداز پیروزی را در افق مبارزات خود بگشائیم.

هر روزتان نوروز ، نوروزتان پیروز باد**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست**

۲۸ اسفند ۱۳۹۱



۸ مارس روز جهانی زن را با تشدید مبارزه علیه مردسالاری گرامی داریم

دولتها، احزاب و دسته جات مذهبی و فاشیستی و نژادپرست، موانع گوناگونی در برابر مبارزه برای رهایی زن ایجاد میکنند. از تضییق حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اشاعه خرافات مذهبی گرفته تا ابزار سرکوب و فشار و زندان و شکنجه را به کار میگیرند تا از گسترش مبارزات رهایی بخش زنان جلوگیری بکنند.

هشتم مارس در عین حال یادآور مبارزات درخشان زنان و مردانی است که برای تحقق برابری زنان و نابودی تبعیضات جنسی و بدست آوردن دنیایی عاری از ستم و استثمار به پا خواستند و جان در راه آرمانهای انسانی خویش گذاشتند.

هشت مارس درس آموزی از تجربیات بیش از یک قرن مبارزه بی وقفه علیه تاریک اندیشی و ستم و نابرابری و تبعیض علیه زنان و نیز تاکید بر تداوم مبارزه در زمان حال نیز هست. چرا که جامعه طبقاتی و نظام سرمایه داری برغم پیشرفت های علمی، اما در باز تولید و تداوم تبعیض و ستم جنسی و نابرابری اجتماعی زنان کماکان نقش درجه اول و اساسی بازی میکند.

هنوز در کشورهای معظم سرمایه داری پیشرفته، زنان از نابرابری حقوقی و اجتماعی رنج میبرند. صاحبان پول و سرمایه با توسعه بازار های بردگی جنسی، خرید و فروش زنان و دختران سودهای کلان به جیب میزنند و سالانه میلیونها انسان فقط به جرم زن بودن در دالان تاریک بردگی جنسی و بازار کار و کارخانگی بعد از تحمل زجر و شکنجه فراوان زندگی خود را از دست میدهند.

زنان اولین قربانیان بحرانهای ادواری نظام سرمایه داری هستند. در بحران مالی اخیر نظام سرمایه داری نیز حقوق، معیشت و زندگی میلیونها زن در سراسر جهان مورد تعرض قرار گرفت. و زنان اولین قربانیان پدیده بیکاری، تشدید استثمار و ناهنجاریهای اجتماعی ناشی از بحران اقتصادی در کشورهای مختلف جهان شدند. نگاهی به آمارهای منتشره در کشورهای مختلف جهان از آفریقا گرفته تا آمریکای شمالی نشانگر آن است که نظامات سرمایه داری برغم تفاوت در قوانین و سیستم های حقوقی و سیاسی، اما در همه جا مبلغ و مروج تبعیضات جنسیتی و تداوم نابرابری زنان در عرصه های مختلف اجتماعی هستند و همه اینها نشانگر آن است که نظامهای سرمایه داری به حکم منافی که از نابرابری زنان نصیب سرمایه داران میشود نه میخواهند و نه میتوانند با رهایی زن توافق داشته باشند.

امروزه اعتراضات شجاعانه و گسترده زنان در کشورهای خاورمیانه، آفریقا، هندوستان برخی دیگر از کشورهای جهان نمونه های بارزی هستند که نشان میدهند که جنبش دفاع از حقوق زنان و مبارزه علیه نابرابری های جنسی و مناسبات پدرسالار تنها از سوی زنان و مردان آگاه و چپ نیست که به پیش برده میشود، بلکه توده های زنان

زحمتکش خود نیز به پیکاری سرنوشت ساز روی آورده اند. این مقاومت ها و خیزشهای توده ای باید درس های گرانبهای برای زنان و مردان زحمتکش و تحت ستم و استثمار کشور ما باشد که با اتکاء به اراده توده ای خود در برابر نیروهای سیاه و عقب مانده و قوانین ارتجاعی زن ستیز و سنت های مرسوم در خانواده و جامعه به مقابله برخیزند.

فراموش نباید کرد که در ایران، نظام سرمایه داری با تلفیق دین و دولت، ارتجاعی ترین سنت های مذهبی و مردسالار و زن ستیز را بر مقدرات مردم حاکم کرده است. زنان در سطوح مختلف جامعه از خانواده گرفته تا مدرسه، دانشگاه، محل کار و کوچه و خیابان مورد تبعیض جنسی قرار گرفته و از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود در همه زمینه ها از جمله در انتخاب همسر، شغل، لباس، حتی نحوه گفتار و ... محروم هستند. رژیم جمهوری اسلامی همچون دیگر نظام های بردگی مزدی هرگاه که با بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مواجه میشود تعرض به زنان و ضرب و شتم آنها را در دستور میگذارد و جو رعب و وحشت در جامعه را از طریق تشدید سرکوب زنان برقرار میسازد. اما با وجود این سرکوبگریها مبارزه برای رهایی زنان و مبارزه علیه ستم و تبعیض جنسیتی گسترده تر از پیش در برابر نظام حاکم که پاسدار سنت های ارتجاعی زن ستیز در جامعه است، ادامه دارد. مقاومت زنان مبارز در برابر قوانین ارتجاعی و زن ستیز رژیم و اقدامات سرکوبگرانه آن، صفحات درخشانی از مبارزه برای آزادی از ستم و استثمار را در تاریخ پرفراوان نشیب مبارزات کارگران و زحمتکشان جامعه ما به ثبت رسانده است.

همه این تجربیات نشان میدهد که برای نیروهای پیشرو و پیشاهنگ این جنبش اجتماعی تنها افشاگری و صحبت از ستمدیدی زنان و استثمار چندگانه و چند لایه آنها و تبعیضاتی که در رگ و پی سنت ها و فرهنگ های گوناگون نظامات سرمایه داری موجود است و نیز تاکید بر اینکه رهایی جامعه بدون رهایی زنان امکانپذیر نیست، کافی بنظر نمی رسد.

درجه موفقیت جنبش زنان مثل هر جنبش اجتماعی دیگر منوط به درستی درک مان از واقعیت های موجود آن جنبش و جامعه است. جنبشی که در پی حل مسائلی باشد که از شناخت ریشه های آن ناتوان است، سرانجام با شکست مواجه خواهد شد. علاوه بر ریشه یابی و شناخت درست و علمی از عوامل اصلی تداوم سنت های ارتجاعی زن ستیز در خانه و جامعه و محل کار و زیست میباید از تجربیات مبارزه زنان در کشورهای مختلف جهان، از جمله اقدامات توده ای اخیر زنان و مردان مبارز در کشورهای آفریقا، خاورمیانه و هندوستان درس های لازم را گرفت. زنان و مردان مبارزی که خواهان بر افتادن ستم بر زنان هستند میباید به تمامی پدیده های زن ستیز در محل کار و زیست و خانواده خود و اکنش نشاننده و در برابر تعرضات و حشبانه به حقوق فردی و اجتماعی خود عکس العمل درخور نشان دهند. امروز سازماندهی اعتراضات توده ای علیه تعرض به زنان و پایمال کردن آزادی و حق تعیین سرنوشت آن به وسیله مهمی برای مقابله با افراد، احزاب و گروه های ارتجاعی و دولتهای



زن ستیز تبدیل شده است و در عرصه تبلیغ و ترویج و سازماندهی میباید از این تجربیات به نحو شایسته ای استفاده شود.

در آستانه هشت مارس بار دیگر همه زنان و مردان مبارز و انقلابی را به تشدید مبارزه علیه نابرابری و اعمال تبعیضات جنسی و نیز مبارزه با هرگونه جلوه های مردسالاری و سنت های زن ستیز در خانه و مدرسه و محل کار و زندگی چه از سوی عوامل حکومتی انجام گرفته باشد و چه از سوی افراد تاریک اندیش در میان اقوام و خانواده ها و ... فرامیخوانیم.

گرامی باد هشت مارس روز جهانی زن

پیروز باد مبارزه برای رهایی زن

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

شانزدهم اسفند ۱۳۹۲ - ۶ مارس ۲۰۱۳

نشریه کمیته های سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

ریگای گه ل (ارگان کمیته کردستان سازمان) شماره ۷۱ منتشر شد

پاراسیلکا (نشریه جوانان و نوجوانان کینه کردستان) شماره ۲۵ منتشر شد

راه سرخ (نشریه فعالین داخل کشور) شماره ۵ منتشر شد



برای دریافت نشریات سازمان اتحاد فدائیان کمونیست به سایت سازمان مراجعه نمایید

www.fedayi.org
www.azerfedayi.org

یاد و خاطره حماسه آفرینان سیاهکل و قیام توده ای بهمن ۵۷ را پاس داریم



۴۲ سال از حماسه سیاهکل و ۳۴ سال از قیام توده های زحمتکش مردم سپری میشود این دوروز در تاریخ مبارزات توده های زحمتکش مردم ایران بر علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب و برای کسب آزادی و برابری از نقاط عطف مهمی محسوب میشوند.

۴۲ سال پیش مبارزه مسلحانه توسط سازمان چریکهای فدائی خلق که با هدف برقراری سوسیالیسم بنیان نهاده شده بود، با حمله به پاسگاه سیاهکل و با این امید آغاز شد که قدر قدرتی دستگاه جهانی شاه و ترس و وحشت نهادی شده در دل طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم را بشکنند و آنها را به قدرت لایزال خود آگاه سازند، تا با سلاح آگاهی و تشکل خود، نظام ارتجاعی حاکم را سرنگون کرده و سرنوشت خود را در دست گیرند.

چند سالی از حماسه سیاهکل و آغاز مبارزه مسلحانه نگذشته بود که به رغم شهادت بسیاری از رفقا در زیر شکنجه و میدانهای نبرد و تیرباران، آموزه های اقدام انقلابی آنان درخیزش توده ای و قیام قهرآمیز بهمن ۵۶ تبریز به شعله ای تبدیل شد که به فاصله کمتر از یکسال سراسر ایران را فراگرفت و در ۲۲ بهمن ۵۷ با قیام مسلحانه رژیم ستم شاهی را به گور سپرد.

اما نباید فراموش کرد که نه اقدام انقلابی رفقای ما و نه خیزش توده های زحمتکش مردم، به تنهایی و بدون تشکل و آگاهی طبقه کارگر و به میدان آمدن این طبقه قدرتمند و بدون سرنگونی نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، نمیتوانست و نتوانست آرمانهای رزمندگان سیاهکل و توده های قیام کننده در بهمن ۵۷ را متحقق سازد. همانطور که به تجربه دیدیم هر چند در نتیجه رزم دلاورانه چریکهای فدائی خلق و قیام شکوهمند بهمن ماه رژیم شاه سرنگون شد، اما باز هم برای چندمین بار بورژوازی ایران در سازش با امپریالیسم و ارتجاع داخلی قدرت سیاسی را در چنگ خود حفظ کرد و با تلفیق دین و دولت یکی از ارتجاعی ترین روبنای سیاسی را بر جامعه ما حاکم گردانید.

اینک که ۴۲ سال از حماسه سیاهکل و ۳۴ سال از قیام خونین توده های مردم سپری می گردد با گذشت زمان توده های مردم، کارگران، زنان، جوانان و ملیت های مختلف تحت ستم و استثمار درمیابند که راهی جز تشدید مبارزه در مقابل نظام ارتجاعی حاکم ندارند، رژیم جمهوری اسلامی نیز در هراس

از اوج گیری جنبش های اجتماعی به دامن زدن به بحرانهای خارجی روی میاورد و با مستمسک قراردادن حقوق بین المللی مربوط به حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای و وانمود کردن آن بعنوان مسئله ای ملی و مربوط به استقلال کشور، بر آن است تا به ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی دامن زده و با طرح خطر حمله نظامی آمریکا، جنبش های کارگری و مردمی را سرکوب نماید.

از طرف دیگر امپریالیسم آمریکا که برای سلطه بر منطقه و کنار زدن رقبای خود به هر جنابیتی دست میزند و برای رسیدن به هدف خود تاکنون مردم افغانستان و عراق را به خاک سیاه نشانده است، و با دخالت خود و سایر سران دول سرمایه داری، انقلابات و قیام های اعتراضی بر علیه ستم و استثمار و سرکوب نظام های ارتجاعی سرمایه در کشورهای آفریقا و خاورمیانه را به انحراف کشانده، بر آن است تا با بهانه قراردادن فعالیت های آتمی جمهوری اسلامی خطر حمله نظامی و جنگ علیه ایران را حتمیت بخشد.

در یک چنین موقعیت و فضائی است که جریانات ارتجاعی و بورژوائی که با منافع آزادیخواهانه و برابری طلبانه کارگران و توده های مردم در تضاد و تناقض قرار گرفته اند و پایگاهی در میان مردم زحمتکش نداشته و یا در نتیجه روبگردانی از منافع توده های زحمتکش مردم، پایگاه اجتماعی خود را از دست داده اند، به نیروهای خارجی و کرامات امپریالیسم آمریکا دل بسته اند و خواهان تشدید محاصره اقتصادی و حمله نظامی به ایران هستند. و خواهان آنند تا سناریو هائی نظیر آنچه در مصر، لیبی، عراق اتفاق افتاد را بر مردم ایران تحمیل کنند.

دسته دیگر به اقدامات جناح های باصطلاح «دوراندیش» و «اصلاح طلب» رژیم دلبسته اند و هر دوی این خط و مشی ها توده های مردم را از اقدامات مستقل خود بر حذر میدارند. در حالیکه منافع توده های کارگر و زحمتکش مردم و مبارزه آنها برای رسیدن به خواست های انسانی و طبقاتی خود با منافع هر دو گروه یاد شده، یعنی کمپ امپریالیستی و رژیم حاکم و جناح بندی های درون آن و طرفداران آنها در داخل و خارج از کشور، در تضاد آن تاگونبستی قرار دارد. از اینرو تنها یک جنبش اصیل آزادیخواهانه و سوسیالیستی و طبقاتی میتواند با دفاع پیگیر از منافع طبقه کارگر، زحمتکش، زنان، جوانان، روشنفکران، طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم را بسیج کرده و با دست زدن به مبارزه ای رادیکال و انقلابی جامعه را از خطر تداوم سلطه رژیم حاکم و یا جنگی ویرانگر نجات دهند. گروه دیگر در اپوزیسیون درونی و خارجی این رژیم صحبت از «جریان سوم یا صدای سوم» میکنند که گویا هم مخالف دخالت امپریالیسم آمریکا هستند و هم با جنگ افروزی جناح های محافظه کار رژیم مخالفند. اگر چه در این کمپ افراد و جریاناتی هم به چشم میخورند که خود را چپ و سوسیالیست میدانند، اما چشم داشتن این افراد و جریانات به مواضع عوامفریبانه بخشی از طبقه حاکم و جناح های سیاسی درون رژیم و تمایلات بخشی از طبقه متوسط که در موضع مخالفت با سیاست خارجی بویژه برنامه هسته ای

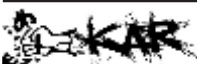
جناح حاکم دارند، آنها را از روشن کردن محتوای طبقاتی چنین «صدای سوم» ی باز میدارد و در نتیجه از طرح و دفاع از خواست های رادیکال کارگران و زحمتکش و بطریق اولی مبارزه علیه طبقه حاکم و مافیای قدرت و ثروت باز میمانند و بویژه در طرح خواست های طبقاتی و سوسیالیسم از خود تردید و تزلزل نشان میدهند. در حالیکه هرگونه صحبت از «نیروی سوم» و «راه حل سوم» و «صدای سوم» بدون روشن کردن محتوای طبقاتی نیروها و گرایشات سیاسی و برنامه آنها برای تغییرات رادیکال و انقلابی جز به تقویت اهداف و سیاست های دو کمپ ارتجاعی پیش گفته منجر نخواهد شد. ادامه چنین مشی نه تنها قادر نیست توده های کار و زحمت را بسیج کند بلکه در عمل افراد و جریانات مدافع سوسیالیسم در این کمپ را به دنباله اجزاب و جریانات ارتجاعی و ضد کارگری این کمپ تبدیل خواهد کرد.

اما اکنون که در شرایطی که بحران داخلی عمیق تر شده است و حلقه تحریمهای اقتصادی روز به روز تنگتر میشود و تاثیرات ویران کننده بحران اقتصادی و تحریمها برگرده طبقه کارگر و توده های مردم زحمتکش بیش از پیش سنگینی میکند و گرانی، بیکاری، افزایش قیمت مایحتاج عمومی، اخراجهای دسته جمعی و عدم پرداخت حقوق فشار زاید الوصفی را بر روی کارگران و زحمتکش جامعه وارد آورده و در اعتراض به این وضعیت شاهد گسترش اعتصابات کارگری و اعتراضات اجتماعی متعدد هستیم. وظیفه شکل دهی به آلترناتیو انقلابی و سوسیالیستی در چنین شرایط حساسی بر عهده نیروهای جنبش کمونیستی و کارگری ایران قرار دارد. که باید با دست رد زدن به سکتاریسم و فرقه گرایی و با حرکت از منافع طبقه کارگر دست به کار رفع موانع شکل گیری چنین آلترناتیوی باشند. بی شک فائق آمدن بر تشننت و پراکندگی جنبش کمونیستی از جمله قدمهای ضروری است که در این راستا برداشته شده باید تا رسیدن به نتیجه مطلوب ادامه یابد.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در پی گیری مشی انقلابی بنیانگذاران سازمان مبنی بر تلاش جهت رفع پراکندگی جنبش کمونیستی و نیز تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر به این وظیفه سترگ خود آگاه بوده و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرده و نخواهد کرد و هم اکنون که این تلاشها در نشست مشترک بیش از ۲۵ حزب، سازمان و نهاد کمونیست و چپ به ثمر نشست است، و این سازمانها و احزاب فعالیت مشترکی را آغاز نموده اند بار دیگر از همه احزاب و سازمانها و افراد کمونیست و انقلابی بویژه کمونیستهایی که در صفوف سازمان فدائی مبارزه کرده و تجربه اندوخته اند، دعوت میکند تا صفوف خود را متحد کنند و به جای دامن زدن به تفرقه پراکندگی در این کوششها سهیم و شریک شوند.

به یاد داشته باشیم که سالگرد حماسه سیاهکل و قیام تاریخی ۲۲ بهمن انجام وظایف و پیگیری اهدافی را به ما گوشزد میکنند که هزاران رفیق ما و ده ها هزار انسان آزادیخواه و سوسیالیست برای تحقق شان جان باخته اند. اهدافی که از آسمان نازل نشده

بقیه در صفحه ۸



یاد و خاطره حماسه آفرینان ...

اند بلکه انسانی ترین و مبرمترین خواست ها و آمال و آرزوهای کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان، روشنفکران و بطور کلی نیروی کار و زحمت جامعه ما هستند که بوسیله مافیای قدرت و ثروت انکار و سرکوب میشوند.

بیانید به مناسبت این دو روزتاریخی ۱۹ و ۲۲ بهمن، یاد و خاطره همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم را گرامی داریم و از تجربیات نسل های گذشته در جهت تحکیم صفوف خود و گسترش مبارزه برای سرنگونی رژیم ارتجاعی حاکم و رسیدن به جامعه ای عاری از ستم استثمار و زور و سرکوب استفاده کنیم.

گرامی باد یاد جان باختگان حماسه سياهکل و قیام خونین بهمن ماه

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۱۷ بهمن ۱۳۹۱



مراسم پنجاهمین سالگرد بنیانگذاری کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در خارج کشور

امسال پنجاهمین سالگرد تاسیس کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج کشور توسط بخشی از بنیانگذاران و علاقمندان آن جشن گرفته میشود. ما برگزاری این مراسم را به کوشندگان کنفدراسیون و فعالین آن شادباش میگوئیم.

یاد آوری برخی وقایع و اتفاقات مهم تاریخ مبارزات کشورمان، هم گرامیداشت یاد و خاطره کوشندگان است که روزگاری دل درگرو آزادی نهاده و وقت و انرژی خود را صرف رهایی از ستم و استثمار و زور و سرکوب نموده اند و هم یادآور تجربیاتی است که انتقال درست و علمی آن میتواند نسل جوان را در راه رسیدن به آماجهای انسانی خود یاری رساند.

کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور انعکاس مقطعی از تحولات سیاسی و اجتماعی ایران بود که بدرستی توسط جوانان و دانشجویان در خارج از کشور در سطح جهانی بازتابانده شد. مبارزات سازمانیافته فعالین کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج کشور برای آزادی زندانیان سیاسی و افشای ماهیت رژیم ستم شاهی و حامیان امپریالیست آن، صرف انرژی و وقت برای ارتقاء سطح دانش و آگاهی اجتماعی و سیاسی جوانانی که برای تحصیل علم و دانش و یا در گریز از ظلم و ستم و اختناق حاکم بر ایران وارد

سال گذشته جامعه بشری همچنان در چنگال بحران نظام سرمایه داری به سر بردو ابعادی بسیار فراتر از سال قبل خود را تجربه کرد. تشدید گرانی، بیکاری، گسترش فقر، آلودگی محیط زیست، مرگ و میر میلیونی کودکان، زنان، جوانان، پیران، تداوم جنگ و کشتار و زجه و ناله انسانهایی که زیر بمبارانها، بمب گزاریها و کشتار ها و اعدامها تکه تکه میشدند، تنها تبعات رو به بیرون و قابل مشاهده این بحران بود و ابعاد تاریخی و درونی آن هنوز رونمایی نشده است، ابعادی که بشریت را به نابودی کامل تهدید میکند.

ناتوانی دول سرمایه داری در مهار بحران در سال گذشته و اعتراف سران سرمایه به تداوم آن درسال جدید، چشم انداز تیره و تاریکی را برای ساکنین کره زمین تصویر میکند. چشم اندازی که در آن انحصارات سرمایه داری و دول حاکم بر آنها با انداختن بار بحران بردوش اقشار و طبقات زحمتکش مردم، بی حقوقی و استثمار و سرکوب را افزایش خواهند داد. آنها در ترس از بروز جنبشهای اجتماعی و جلوگیری از اقبال کارگران و توده های زحمتکش مردم از سوسیالیسم بمثابه تنها راه خلاصی از نکت سرمایه، زردخانه های تئوریک و تسلیحاتی خود را به راه خواهند انداخت تا با فریب و نیرنگ و استفاده از مذهب و خرافه و از نژادپرستی و ناسیونالیسم، افکار عمومی را از علل اصلی بحران کنونی منحرف سازند، آنها باز هم تلاش خواهند کرد جنبش های اجتماعی نظیر آنچه که در کشورهای عربی رخ داده است را از مسیر اصلی منحرف کرده و از بروز انقلابات اجتماعی و سرنگونی نظام سرمایه داری جلوگیری کنند. جنگ و سلطه طلبی ذاتی نظام سرمایه داری است. صاحبان زر و زور با تشدید بحرانهای اقتصادی همچنان بر طبل جنگ خواهند کوبید.



اما در این وانفسای دنیای وارونه نظام طبقاتی، نقطه امید و چشم انداز روشنی هم وجود دارد. طبقه کارگر، توده های مردم و بطور کلی بشریت مترقی از زیر سایه سنگین اختاپوس سرمایه سربلند میکنند و بیدار میشوند، چشمهای خویش را میگشایند و سرانجام دوست و دشمن طبقاتی خود را تشخیص میدهند. و میخواهند در دنیای عاری از ظلم و ستم و استثمار و جنگ و سرکوب زندگی کنند و آنها سرانجام درمییابند که برای رسیدن به آمال و آرزوهای انسانی خود از خدا و پیغمبر و از ناجیان رنگارنگ زمینی آنها کاری ساخته نیست و آنهاجز تطهیر نظم استثمارگرانه موجود و مشروعیت بخشیدن به ادامه

بقیه در صفحه ۹

کشورهای غربی میشدند و ترغیب و تشویق آنها برای سازمانیابی و ادامه مبارزه و نیز کمک و یاری کنفدراسیون و اعضای آن به مبارزین و سازمانهای انقلابی داخل کشور، از جمله موارد متعددی از دست آوردهای دانشجویان و محصلین ایرانی خارج کشور متشکل در کنفدراسیون است که در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه توده های مردم ایران به ثبت رسیده است.

تردید نیست که اشکال سازمانیابی و ترکیب نیروهای شرکت کننده، شعارها و برنامه مبارزاتی کنفدراسیون محصول دوره ای از تکامل اجتماعی و سیاسی جامعه ایران بود که اکنون آن دوره سپری شده است و به تبع تحولات اجتماعی و سیاسی، کنفدراسیون نیز نمیتوانست به شکل سابق به حیات خود ادامه دهد و همینطور نیروها و افراد شرکت کننده در آن نیز تحول پیدا کردند و هرکدام به فراخور رسته و طبقه و صنف سیاسی اجتماعی و اقتصادی خویش و یا در نتیجه تحولات فکری و اندیشگی خود، براه خویشتن رفتند. اما این تحولات نه به فعالیت ها و تلاشهای مبارزاتی و انسانی آنها در آن مقطع از زمان سایه میافکند و نه میتواند دست آوردهای تجربی کنفدراسیون را بی اعتبار سازد. امروز نیز استفاده از این تجربیات میتواند فعالین ایرانی خارج از کشور را در امر سازمانیابی و به کارگیری اشکال مختلف مبارزه در انطباق با شرایط کنونی یاری رساند.

از این رو ضمن گرامیداشت پنجاهمین سالگرد تاسیس کنفدراسیون دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج کشور، به مبارزات آنها در آن مقطع زمانی ارج نهاده و به آنها درود میفرستیم.

روابط عمومی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست



۱۵ دیماه ۱۳۹۱

سال جدید میلادی را به همه کارگران و زحمتکشانی که این روز را جشن میگیرند شاد باش میگوئیم

سال ۲۰۱۲ آخرین روز خود را سپری میکند. جهان نظاره گر جنب و جوشی است که در اغلب کشورها و شهر های مهم جهان برپا شده است. چراغانی میادین شهر ها، برنامه های مختلف تلویزیونی، رد و بدل شدن میلیونها کارت تبریک، فضای مه آلود و پر بیم و هراس ناشی از بحران سرمایه داری، جنگ و بی خانمانی و بیکاری و گرانی را موقتا به اشغال خود درآورده است. فضائی پر از بیم و امید و شادی و اندوه که سرانجام با پیام های وهن آلود و وعده و وعیدهای توخالی سران کشورها و رهبران نظام سرمایه داری به پایان خود میرسد، درحالیکه کوله باری از بد و خوب، امید و ناامیدی و شکست و پیروزی را از خود برجای گذاشته است.

سال جدید میلادی را به همه کارگران...

آن کاردیگری نخواهند کرد. آنها در جریان مبارزات روزمره به آگاهی طبقاتی دست مییابند و درمییابند که تغییر وضع موجود در گرو قدرت و توانائی خود آنها و مبارزه متشکل شان بر علیه عامل اصلی اذبار خویش، یعنی نظام منحط سرمایه است و بس.

سال گذشته دنیا شاهد عظیم ترین اعتصابات و اعتراضات کارگری بود. میلیونها کارگر و زحمتکش جهان در کشورهای مختلف در اعتراض به ادامه وضع موجود به خیابانها ریختند و میدانها را به اشغال خود درآوردند و بدون شک و تردید این مبارزات ادامه خواهند یافت و سرانجام میلیاردها انسان کارگر و زحمتکش در خواهند یافت که با اراده متحد و متشکل خود قادرند اقلیت بسیار ناچیزی از صاحبان سرمایه و ثروت و زر و زور را از اریکه قدرت به زیر کشیده و چشم انداز نوینی را در برابر بشریت بگشایند. اینها چشم انداز امید بخشی است که مبارزه رو به گسترش طبقه کارگر و زحمتکشان جهان در برابر بشریت گشوده است، امیدی که هرگز به یاس تبدیل نخواهد شد. سال جدید را با گسترش مبارزه علیه نظام سرمایهداری و با امید به پیروزی طبقه کارگر و سوسیالیسم آغاز میکنیم و در این مبارزه برای طبقه کارگر و زحمتکشان جهان آرزوی پیروزی میکنیم.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

۳۱ دسامبر ۲۰۱۲



گل همین جاست، همین جا برقص!

شورای نمایندگان

اطلاعیه احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست به مناسبت ۸ مارس ۲۰۱۳

یکصد و سومین سالگرد ۸ مارس فرا میرسد. روزی که یادآور رزم زنان کارگر در نیویورک است. روزی که زنان کارگر بر فرودستی خویش شوریدند و مردهای کم و ساعات طولانی کار و سرمایه را به مصاف طلبیدند. روزی که جهانی است زیرا مسئله ستم برزن امری جهانی است.

هشت مارس فرمان جشنی نیست تا بزرگش بداریم. مراسمی نیست تا پای بکوبیم. هشت مارس تنها برداشتن سرپوش از ظلمی نیست که بر زنان میرود. حتی فریادی انتزاعی نیست بر علیه وضع موجود. هشت مارس طلایه های قیامی بزرگ است بر علیه نظم سرمایه داری و مردسالار کنونی. ما تنها از ظلمی که بر زنان روا می شود سخن نمیگوییم؛ ما از آنچه زن و جامعه در عیش آن میسوزد و نیازمند آنیم سخن میگوییم. ما نیازمند پابکویی هستیم اما بر جسد مردسالاری و تمامیت نظام سرمایه داری.

تاریخ هرچه بوده باشد اما امروز سرمایه داری و عقب مانده ترین نیروهای جهان دست در دست هم، از استثمار بیشتر و ستم بر زن سود میبرند. تبدیل

و طرد نمود. بدیل سوسیالیستی تنها آلترناتیو وضع موجود است و رهایی زن و برابری او را با مرد در تمامی سطوح حقوقی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی ممکن میکند.

هشت مارس را به تدارک قیام بر علیه وضع موجود پیوند بزنیم. در هر کجا هستیم مانیفست خود را بر علیه نظم کنونی اعلام و تشکل و انقلاب علیه این شرایط را ممکن کنیم. نظاره گری مرگ است. گل همین جاست، همین جا برقص!

نابود باد مردسالاری و نظام سرمایه داری

زنده باد آزادی

زنده باد سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

۱۷ اسفند ۱۳۹۱

۷ مارس ۲۰۱۳

اسامی امضاء کنندگان :

۱- اتحاد چپ ایرانیان در خارج کشور

۲- اتحاد چپ سوسیالیستی ایرانیان

۳- اتحاد فدائیان کمونیست

۴- پیوند در خدمت وحدت کمونیست های ایران

۵- کمیته جوانان بلژیک

۶- حزب رنجبران ایران

۷- حزب کمونیست ایران

۸- سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته مرکزی

۹- سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - هیئت اجرایی

۱۰- شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهان مردم ایران - استکهلم

۱۱- شورای فعالین سوسیالیست و آزادیخواه- هامبورگ

۱۲- کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ

۱۳- کمیته بین المللی برای حمایت زندانیان سیاسی ایران - ناظر

۱۴- کمیته حمایت از مبارزات کارگران ایران - فنلاند

۱۵- کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۶- کمیته یادمان کشتار زندانیان سیاسی دهه ۶۰ در ایران - مونتreal ، کانادا

۱۷- نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران-غرب آلمان

۱۸- هسته اقلیت

۱۹- کمیته حمایت از مبارزات جنبش کارگری ایران - دانمارک

۲۰- میزکتاب دانمارک

زن به نیروی کار ارزانتر و خط کشیدن روی دوسوم تولید جهان که توسط زنان و کارخانگی صورت میگیرد؛ سود بادآورده ایست که از آن نمیتوان گذشت. سیاست سرمایه جهانی بر پایه توجیه تجاوزات امپریالیستی در عراق، افغانستان و ... و بر بازسازی و نگهداری روابط سلطه و ضد زن استوار است. حمایت آنها از ارتجاعی ترین آلترناتیوها با آرایش دفاع از "دموکراسی و رهایی زنان" در همین راستا است. به خاورمیانه و افریقا بنگریم! عروج طالبان، و مذهب سیاسی و حکومت های مذهبی در ایران، ترکیه، عراق، مصر، وتونس و آشکارترین جلوه های حمله به زنان است. این حملات به قصد سلطه و سود انجام میگیرند؛ لذا همزمان طبقه کارگر و بلاخص زنان کارگر و اقشار تهیدست جامعه را زیر ضرب میبرند. زنان کارگر که بخش بزرگی از زنان زیر ستم را تشکیل میدهند و تحت ستم مضاعف قرار دارند در ایران با بیکاری بیش از ۴۵ درصد و مزدی بمراتب حتی کمتر از مردان و نرخ بیکاری بالاتر مواجهند. بسیار ضروری و مهم است که بر همبستگی این گروههای اجتماعی یعنی کارگران و زنان تا آنجا که بر علیه سلطه و مردسالاری اند تاکید نمود. یکی از موانع این همبستگی حاکمیت فرهنگ طبقه حاکم است که در شکل مرد سالاری به تاریکترین زوایای جامعه نفوذ کرده و با دست فرودستان نیز بقا می یابد. مردسالاری و فرهنگ ناظر بر آن، دست دشمن است در میان زحمت کشان که در هیئت منفعت مردانه خود را نشان میدهد. آن جنبش کارگری که بر علیه مردسالاری، و سرمایه و سلطه مبارزه میکند همدست جنبش زنان است. آنگاه که توطئه میکنند شکستن زنجیرها را. وضعیت زنان در ایران بر بستر این مجموعه سیاست جهانی اتفاق میافتد. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی که هستی اش را به مقابله علیه زنان پیوند زده است، سرکوب هرگونه آزادی خواهی را از زنان آغاز کرد. اما در مقابل، نخستین سرود مرگ خود را نیز در سال ۵۷ از زنان دریافت نمود. آنگاه که زنان فریاد زدند "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم" و یا "آزادی نه شرقی است نه غربی است، جهانی است".

زنان که نیمی از جامعه اند و کنترل آنان با توجیهات مذهبی کنترل کل جامعه را میسر میکند، آماج حکومت مذهبی قرار گرفتند. حاکمیت دین و اشاعه مردسالاری، خانه ها و جامعه را به جهنم زنان تبدیل کرده است. آپارتاید جنسی، تجاوز قانونی، اجرای شرع در کنار استثمار و افزایش حجم کارخانگی و گسترش تن فروشی در اثر فقر مفرط، چنان وضعیتی ایجاد کرده است که دیگر سخن بر سر این یا آن حقوق نیست، بلکه تنها سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری اسلامی میتواند، نخستین جلوه رهایی زن محسوب گردد. هشیار باید بود، تمامی آلترناتیوهای بورژوازی و امپریالیستی نیز، واضعین و پیش برندگان سیاست جهانی ولاجرم تبعیض علیه زنان اند. آنها و همه کسانی که چشم امیدی به آنها دارند بردگی زنان را تقویت میکنند. باید وعده های بندگی اورشان را افشاء

اطلاعیه پایانی دومین نشست، احزاب، سازمان ها و نهادهای چپ و کمونیست

در تاریخ ۲۵ الی ۲۷ ژانویه ۲۰۱۳ برابر با ۶ الی ۸ بهمن ۱۳۹۱ دومین نشست احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست در شهر فرانکفورت (آلمان) با شرکت اکثر نمایندگان تشکیل شد. ابتدا مسئول هیئت هماهنگی با ارائه گزارشی کوتاه از عملکرد هیئت هماهنگی و تشریح برنامه نشست دوم، دومین نشست شورای نمایندگان را افتتاح نمود. بعد از استماع گزارش هیئت هماهنگی انتخاب هیئت رئیسه در دستور قرار گرفت.

هیئت رئیسه منتخب نشست با سرود انترناسیونال، سرود همبستگی جهانی طبقه کارگر، با اعلان یک دقیقه سکوت به نشانه گرامی داشت یاد جانفشانان راه آزادی و سوسیالیسم و قدردانی از شورای نمایندگان این نیروها که در فاصله دو نشست وظایف محوله را به پیش بردند، دستور کار نشست را به تصویب رساند.

نشست در فضایی صمیمانه و با مداخله فعال همه شرکت کنندگان مباحث خود را حول اوضاع سیاسی، ارزیابی از فعالیت های دوره قبل، تدارک گامهای بعدی و تدقیق مکانیسم های ساختاری متمرکز کرد. دومین نشست احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست بعد از دو روز با موفقیت به کار خود پایان داد.

نشست دوم ما نمایندگان احزاب، سازمان ها و نهادهای چپ و کمونیست در شرایطی برگزار شد که بحران جهانی سرمایه داری همچنان ادامه دارد. عمق و گستردگی بحران جاری و ناتوانی دولت های سرمایه داری در کنترل آن، بحران کنونی را به بحرانی مزمن و طولانی مدت مبدل ساخته که چشم انداز خروج از آن در کوتاه مدت وجود ندارد. دولت های سرمایه داری برای خروج از بحران جاری از طریق به اجراء نهادن برنامه های خشن ریاضت اقتصادی یورش همه جانبه ای را به طبقه کارگر و اقشار محروم این جوامع سازمان داده و بی وقته سطح زندگی و معیشت آن ها را مورد تعرض قرار می دهند.

در متن تعرض همه جانبه سرمایه داری برای تحمیل هر چه بیشتر هزینه بحران جاری بر دوش کارگران، زحمتکشان و سایر قربانیان نظام سرمایه داری، اعتصابات و مبارزات کارگری در کشورهای پیشرفته صنعتی و بویژه در کشورهای جنوب اروپا، تداوم مبارزات کارگران و زحمتکشان در تونس و مصر علیه ائتلاف جریانهای ارتجاع اسلامی و ارتش، مبارزه جویی کارگران آفریقای جنوبی علیه دولتی که در ائتلاف با انحصارات چندملیتی اعتصاب کارگران برای افزایش دستمزدها را به خون می نشاند، اعتراضات میلیونی جوانان هند در اعتراض به خشونت جنسی و تجاوز علیه زنان ... تنها گوشه هایی از پیکار محرومان جامعه علیه نظام حاکم در جهان را باز می نمایاند. این مبارزات بیانگر آن است که کارگران و محرومان جامعه نمی خواهند

تسلیم سرنوشتی شوند که نظام سرمایه داری حاکم برای آنان رقم زده است.

تداوم بحران جهانی سرمایه داری و مبارزه کارگران و اقشار محروم جامعه علیه پیامدهای ویرانگر این بحران تردیدی باقی نگذاشته است که برای پایان دادن به محرومیت ها و مصائب جامعه سرمایه داری، برای پایان دادن به کشتار، تجاوز و ویرانی های ناشی از میلیتاریسم و جنگ های امپریالیستی، برای پایان دادن به مرگ و میرهای ناشی از قحطی، گرسنگی و سوء تغذیه، برای متوقف ساختن روند تخریب محیط زیست، برای به زیر کشیدن اقلیتی انگل و استثمارگر از اریکه قدرت، برای بنای جهانی آزاد، برابر و انسانی که در آن شکوفائی آزادانه هر کس شرط شکوفائی همگان است جایگزین ساختن نظام سرمایه داری حاکم با سوسیالیسم امری گریز ناپذیر است.

بر متن تداوم بحران اقتصادی جهانی، بحران اقتصادی سرمایه داری ایران عمیق تر شده است. تحریم های فلج کننده، بحران اقتصادی را به شکل شتاب گیری تشدید ساخته، سقوط ارزش ریال سبب رشد انفجاری تورم، پایین آمدن قدرت خرید مردم، تعطیل شدن واحدهای تولیدی، فروپاشی اقتصادی و بیکاری های گسترده و توده ای و فقر گسترده در میان بخش مهمی از کارگران و زحمتکشان شده است. اما تاثیر بحران و سقوط اقتصادی به این جا منتهی نمی شود. عواقب ویرانگر اجتماعی تحریم ها و بحران اقتصادی در همه ابعاد زندگی توده های مردم قابل رؤیت است. شکاف های طبقاتی به شکل فزاینده ای افزایش یافته، کمبایی و گرانی دارو و درمان موجب افزایش مرگ و میر بیماران و کودکان و سالمندان می شود. فحشا و اعتیاد و جنایت و سایر ناهنجاری های اجتماعی، سیمای جامعه ایران را به طور اساسی دگرگون کرده و پایه های امنیت اجتماعی را متزلزل ساخته است.

در دوره ای که به سر می بریم، بحران موجودیت رژیم جمهوری اسلامی به طور کم سابقه ای تشدید شده و جناحهای گوناگون آن را برای بیرون رفت از بحران به جان هم انداخته است. در شرایط بحران و تضعیف همه جانبه اقتدار رژیم اسلامی حتی جناح های حاشیه ای و حذف شده از لاک خود درآمده و در تکاپوی نجات نظام از خطر سقوط و اضمحلال هستند. اما روشن است که جمهوری اسلامی و همه جناح های آن بنا بر ماهیت طبقاتی خود قادر به حل بحران نخواهند بود. دستگیری و محکومیت های بسیار سنگین فعالان کارگری، زنان، دانشجویان، وکلا، اعدام های پی در پی قربانیان آسیب های اجتماعی تحت عنوان ارادل و اوباش برای ایجاد رعب و وحشت دائمی نشانگر اوج درماندگی و استیصال حاکمانی است که اکنون ابزاری جز زور و سرکوب برای مقابله با بحران در اختیار ندارند. در بستر تداوم بحران اقتصادی و فشار تحریم ها، اعتراضات و مبارزات کارگران علیه شرایط فلاکتباری که به کار و زندگی آن ها تحمیل شده رشد کرده است. گسترش مبارزه

ی کارگران، تداوم نارضایتی زنان و جوانان و ملیت های تحت ستم ایران علیه پایداری کردن ابتدائی ترین حقوق طبقاتی، ملی، جنسی، مذهبی و مدنی آنها، نفرت و انزجار عمومی از ادامه ی حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی را دامن زده است.

واقعیات بالا نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی هیچ گاه از نظر بین المللی، منطقه ای و داخلی تا این حد تحت فشار، درماندگی و بحران موجودیت قرار نداشته است.

ناتوانی رژیم در پاسخ به مجموعه بحران هایی که هستی اش را به چالش طلبیده موجب شده است تا بخش های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران و قدرت های امپریالیستی، به پیش برد و عملی ساختن طرح های ارتجاعی و جنایتکارانه خود برای آینده ایران شتاب بخشند. از نشست اول نیروهای چپ و کمونیست در "کلن" تا کنون تلاش برای آلترناتیو سازی های بورژوازی، سوار شدن بر دریای عظیم نارضاتی توده ای و مصادره جنبش های اعتراضی و مطالباتی توسط نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی به شکل بی سابقه ای تشدید شده است. بازار کفرانس ها، پروژه های آلترناتیو سازی از جانب بخش های گوناگون اپوزیسیون بورژوازی ایران تحرک تازه ای یافته است. این نیروها تلاش می کنند اتکاء به قدرت های امپریالیستی را تنها راه نجات مردم ایران وانمود سازند و با رواج حالت انتظار در میان مردم، آنان را از هر گونه عمل مبارزاتی مستقیم بازدارند. در کنار این تلاش ها، نظام نیرومند رسانه ای سرمایه جهانی تلاش می کند با بهره گیری از همه ظرفیت های خود سناریوهای فاجعه باری مانند آنچه در لیبی و سوریه اتفاق افتاد و یا جابجائی قدرت از بالا با اتکا به نهاد سرکوبگر ارتش در مصر و تونس را گزینه های مناسبی برای رهائی از دیکتاتورهای ریز و درشت خاورمیانه نشان دهد. هدف این تلاشها، ایجاد نظم جدید منطقه ای و عقیم ساختن مبارزات عادلانه کارگران و مردم آزادیخواه ایران برای رهایی و برابری و جایگزین کردن آلترناتیو های مورد نظر قدرتهای امپریالیستی بر فراز سر مردم ایران است.

رویدادهای اخیر مبین این واقعیت است که در برابر ارتجاع رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و طرح و برنامه های نیروهای اپوزیسیون بورژوازی و نقشه های امپریالیستی، راه واقعی و انقلابی برای رهایی مردم ایران وجود دارد. ما کمونیست ها اعلام می کنیم که به میدان آمدن طبقه کارگر متشکل و سازمانیافته و همراهی جنبش رهائی زنان و دانشجویان و جوانان و دیگر جنبش های ترقی خواه و پیشرو اجتماعی تحت پرچم آلترناتیو سوسیالیستی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انهدام ماشین دولتی بورژوازی از طریق یک انقلاب اجتماعی تنها راه واقعیبانه برای رهائی از شر جمهوری اسلامی و مصائب نظام سرمایه داری است. آلترناتیو سوسیالیستی و کارگری تضمین کننده وسیعترین آزادیهای سیاسی، تأمین حقوق و برابری فردی و اجتماعی، جدایی کامل دین از دولت، از نظام قضائی و آموزش و پرورش، برابری کامل و بی قید و شرط زنان در همه عرصه های زندگی، تضمین حق تعیین سرنوشت ملل تحت ستم ایران و اتحاد داوطلبانه آن ها، حفاظت از محیط

بقیه در صفحه ۱۱

سال نیکو از بهارش پیداست!

بیشتر برای مدم در برنداشت. در این باره فرشاد مومنی میگوید: تجربه شوک تقاضای هشت هزار میلیارد تومان در اسفند سال ۹۱ باید برای نمایندگان مجلس آموزنده باشد. گزارش اخیر مرکز آمار نیز تصریح می‌کند پرداخت‌های افراطی که نقش شوک تقاضا را بازی کردند، در قیمت عرضه تدبیری اندیشیده نشده بود. در اسفند ماه در زمینه هزینه مواد غذایی و خوراکی رشد ۵/۸۱ درصدی را تجربه کردیم که بیشترین نقش را در سبب کالایی خانواده‌های ضعیف دارد. آنچه به اسم عیدانه و یارانه پرداخت شد در اصل صرف هزینه‌های مواد غذایی شد. در آن دوره افزایش قیمت‌ها موجب شد گستره و عمق فقر بین گروه‌های مختلف و ضعیف‌تر شکل دیگری پیدا کند. تمام داده‌های فوق مبین این واقعیت است که سال ۹۲ متأسفانه سالی سخت و طاقت فرسائی برای اکثریت توده‌های کار و زحمت خواهد بود که تنها از دست رنج خود امورات زندگی خود را میچرخانند و ما در حالی وارد سال جدید می‌شویم که بحران اقتصادی، تورم، بیکاری و گرانی بردوش میلیون‌ها نفر از کارگران و زحمتکشان، حقوق‌بگیران، کسبه و پیشه‌وران جزء و کشاورزان سنگینی میکند و بحران و تبعات ویران‌کننده آن درسالهای گذشته نه تنها فروکش نکرده است بلکه بار فشار سنگین آن درسال جدید برمشکلات اقتصادی و بحرانهای اجتماعی خواهد افزود و بقول معروف «سال نیکو از بهارش پیداست» وقتی کارشناسان اقتصادی خودی مدعی اند که در صورت حل شدن برخی از موانع و مشکلات پیشروی اقتصاد ایران، ده سال طول خواهد کشید تا خسارات ناشی از سیاست‌های اقتصادی گذشته دولت ترمیم و جبران شود، خود «حدیث مفصل بخوان از این مجمل».



خ-عمواوغلی

بقیه از صفحه ۳

برای آزادی زندانیان سیاسی و...

یکی ازوظایف مهم تشکلهای نهاد هائی که درخارج کشور به امر مبارزه علیه جمهوری اسلامی میپردازند و دلشان در گرو آزادی است درحوزه مبارزات دموکراتیک بویژه در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو حکم اعدام این است که هرچه بیشتر افراد وعناصر و محافل و گروه‌ها و نهادهای دموکراتیک و آزادیخواه را حول این امر بسیج کنند و اقدامات سراسری و پربار و تاثیر گذاری را سازمان دهند و باتوجه به این واقعیت که رژیم جمهوری اسلامی واقدامات سرکوبگرانه آن رازی پنهان نبوده و افکارعمومی با آن بخوبی آشنا است باید نوک پیکان اقدامات از حد افشاگری گذشته و به روشی موثر برای تحت فشارگذاشتن رژیم سمت و سو پیدا کند.

یدی شیشوانی

۲۰ اسفند ۱۳۹۱



مونترال کانادا

۱۹. نشست زنان چپ و کمونیست

۲۰. نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران - غرب آلمان

۲۱. هسته اقلیت

۲۲. کمیته حمایت از مبارزات جنبش کارگری ایران - دانمارک

۲۳. فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران (ناظر)



بقیه از صفحه ۱۲

خجسته باد سی و چهارمین سالگرد...

از جانب امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم سرکوبگر پهلوی به رژیم جمهوری اسلامی و ولایت مطلقه فقیه اعطا گردید و تا به امروز به یمن دستگیریهای گسترده، تختهای شکنجه، جوخه‌های اعدام، طناب دار، تجاوز و بی حرمتی و ... از آن پاسداری نموده تا مبادا امنیت سرمایه به خطر افتاده و شعله‌های قیام بهمن ماه ۵۷ بار دیگر شعله ور گردد و اینبار با بکارگیری تجارب گرانبهای سی و چهار ساله خویش توفنده تر از پیش ماشین ستم و سرکوب حاکمیت ستمگرانه سرمایه داران غارتگر را در تمامیت آن درهم بشکنند.

برای رهائی از این وضعیت مشقت بار باید بپا خاست، هیچ دست غیبی در کار نیست راه خلاصی از قید ستم و استثمار جز مبارزه متحد و یکپارچه علیه نظم ستمگرانه سرمایه چیز دیگری نیست. فقدان چنین اتحادی همواره یکی از اساسی تری معضلات کارگران در مبارزات خود بوده است. اینک بعد از گذشت ۳۴ سال خیزش توده‌ای که همراه با افت و خیزها و فراز و نشیبهای فراوان و کوله باری از تجارب و دستاوردهای عظیم قیام توده‌ای بوده، کارگران و زحمتکشان با بکارگیری این تجارب گرانبها مانع از فریب و انحراف جنبش توده‌ای و تغییر مسیر حرکت توده‌ها میشوند. تنها راه حل قطعی و انقلابی برای حل معضلات اجتماعی ایجاد تشکلهای مستقل توده‌ای و سازماندهی توده‌ها در تشکلهای سرخ و ایجاد کمیته‌های اعتصاب در محل‌های کار و زندگی و فراهم کردن شرایط اعتلای انقلابی و وارد آوردن آخرین ضربات در جریان قیام همگانی مسلحانه توده‌ای بر پیکر فرتوت نظام فاسد و رو به زوال سرمایه داری جمهوری اسلامی در ایران است.

در سالگرد قیام پرشکوه بهمن ماه ۵۷ زنده

باد اعتصاب و قیام مسلحانه توده‌ای

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیوی شورای!

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست - کمیته

ایالتی کردستان

زیست و گذار به یک جامعه آزاد و عاری از ستم و استثمار است.

ما شرکت کنندگان در نشست دوم نیروهای چپ و کمونیست با عطف توجه به حساسیت اوضاع سیاسی کنونی بار دیگر جنبش کارگری ایران، جنبش رهایی زنان، جنبش دانشجویی و جوانان انقلابی و مردم زحمتکش ایران را به وحدت و تشکل در سطوح مختلف و بسیج حول یک راه حل کارگری، سوسیالیستی و شورائی فرا می‌خوانیم و دست همکاری و اتحاد عمل همه فعالین و نیروهای موجود در جنبش چپ و کمونیستی ایران و فعالین سوسیالیست و رادیکال جنبش‌های اجتماعی برای تامین ملزومات و رفع موانع آلترناتیو سوسیالیستی را به گرمی می‌فشاریم.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی

زنده باد سوسیالیسم

نشست دوم احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست

بهمن ۱۳۹۱ - فوریه ۱۳

شرکت کنندگان در نشست:

۱. اتحاد چپ ایرانیان در خارج کشور

۲. اتحاد چپ سوسیالیستی ایرانیان

۳. اتحاد فدائیان کمونیست

۴. پیوند در خدمت کمونیست‌های ایران

۵. جمعی از چپ‌های کلن - آلمان

۶. حزب رنجبران ایران

۷. حزب کمونیست ایران

۸. حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائونیست)

۹. سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته مرکزی

۱۰. سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - هیئت اجرایی

۱۱. شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم

۱۲. شورای دانشجویان و جوانان چپ ایران

۱۳. شورای فعالین سوسیالیست و آزادیخواه - هامبورگ

۱۴. کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ

۱۵. کمیته بین‌المللی برای حمایت زندانیان سیاسی ایران - ناظر

۱۶. کمیته حمایت از مبارزات کارگران ایران - فنلاند

۱۷. کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۸. کمیته یادمان کشتار سیاسی دهه ۶۰ در ایران

Kar@fedayi.org



آخرین اخبار و گزارشات، مقالات، اطلاعاتیه ها و نشریات سازمان را از سایتهای زیر دریافت کنید

www.fedayi.org

www.kare-online.com

برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از آدرسهای زیر تماس بگیرید

کار کمونیستی آنلاین

info@kare-online.org

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته تهران

tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karaj@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

مسئولین پالتاک

paltalkroom@fedayi.org

کمیته امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

خجسته باد سی و چهارمین سالگرد قیام پرشکوه بهمن ماه



روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه سال ۵۷ توده های تحت ستم و استثمار امپریالیسم جهانی و سرسپردگان آن در ایران یکی از پر شکوه ترین صحنه های اعمال اراده و قهر توده ای را با واژگون ساختن دستگاه ستم و سرکوب رژیم سلطنتی و وابسته به امپریالیسم بنمایش گذاشتند و تنها طی این دو روز مراکز پرهیاهوی نظامی و انتظامی حکومت فاسد پادشاهی پهلوی را به تسخیر خویش در آوردند و نشان دادند که ستمگران و مزدوران آنانرا از قهر و کینه توده های بجان آمده حتی در برجهای بظاهر مستحکم امنی نیست. بکارگیری گله های مزدوران و تمهیدات سردمداران ستم و سرکوب برای فرونشاندن آتش هر دم رو به فزونی قهر و کین خلق در زنجیر جز شعله ورتر کردن آتش قیام همگانی و واژگون ساز توده ها در پی ندارد. قیام بهمن و مبارزه مسلحانه توده ای به حاکمان و اپورتونیستهای فرو رفته در لاک خویش ثابت نمود که مبارزه قهری آخرین راه و یگانه راه حل اختلافات و تسویه حساب طبقه ستمکش با طبقات حاکم است.

هر چند قیام پرشکوه بهمن ماه به آرمانها و اهداف بنیادین خود نرسید و دسیسه چینبها بمنظور انتقال مسالمت آمیز قدرت به بخشهای دیگر سرمایه داران تمامیت نظام سرمایه داری و ستم و سرکوب را از خطر انقلاب اجتماعی و کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و همپیمان آن زحمتکشان بطور موقت رهانید و از سویی حاکمیت تقکرات انحرافی و خیانت بار کارگزاران سرمایه داری در درون جنبش چپ و کمونیستی خود شتاب بیشتری به اعمال قهر ضد انقلابی توسط حاکمیت سرکوبگر جمهوری اسلامی داده و روند رو به پیش انقلاب را در مقاطع زمانی حساس با کندی و توقف مواجه ساخت.

با واژگونی رژیم سلطنتی سیستم سرمایه داری حاکم بر جامعه ایران در تلفیق با یکی از متحجرترین روبناهای سیاسی مبتنی بر نظام ولایت فقیه بر شئونات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه ایران حاکم گردید با این امید که با سلب ابتدایی ترین حقوق و آزادیهای دمکراتیک و با ایجاد فضای ترور و وحشت و خفقان به ترمیم و نوسازی ارگانهای و نهادهای صدمه دیده در جریان قیام توده ای بپردازند بخصوص با بازسازی ارتش و سازمانهای نظامی موزی با آن نظیر سپاه پاسداران ماشین سرکوب سرمایه را هر چه زودتر احیا نمود. چرا که احیا این بخش صدمه دیده در جریان قیام از اصول بدیهی بقا نظام سرکوبگر بحساب می آید. و بدین شیوه امنیت سرمایه را به هر شیوه ممکن تامین نمایند. تامین امنیت سرمایه و منافع امپریالیسم جهانی به بهای براه انداختن جنگ زرگری با امپریالیستها و سرکرده امپریالیسم جهانی، امپریالیسم آمریکا، و ایجاد توهم در میان صفوف خلق و جریانات اپوزیسیون اصلی، سرکوب ملیتهای بپاخاسته تحت ستم در کردستان، ترکمن صحرا و خوزستان و بلوچستان و ... حمله همه جانبه به ارگانهای توده ای از قبیل شوراها و دیگر تشکلهای توده ای در چهار گوشه میهنمان، سلب آزادیهای دمکراتیک و براه انداختن ماشین سرکوب و شکنجه و کشتار و اعدام، تحمیل هشت سال جنگ غیر عادلانه و ارتجاعی بر گرده توده های رنجدیده و تحت ستم ایران که جز آوارگی، گرسنگی، فحشاء، انبوه کودکان و دختران خیابانی، حراج کودکان و دختران خردسال در کشورهای حوزه خلیج فارس در آستان شیخهای مرتجع حاکم بر این کشورها، سست کردن بنیانها و ارزشهای خانوادگی، گسترش اعتیاد، غارت و حراج سرمایه های ملی، از بین رفتن سرمایه ها و منافع ملی و بیکاری و هزاران مصائب اجتماعی دیگری عاید توده ها نکرد. جاه طلبیهای اتمی و خود بزرگ بینیهای نظام منحط جمهوری اسلامی موجب فقر و گرسنگی و تحریمهای بین المللی گشته که بار اصلی آن بردوش توده هایی است که از چنین جاه طلبی هایی تنها فقیر و تهیدستی و کار بیشتر و بیشتر عاید آنها میگردد و روز بروز سفره هایشان از نان خالی می شود، همگی از ارمانهای گوربار سرمایه داران زالو صفتی است که رسالت حفظ نظام فاسد سرمایه داری را از اسلاف خود به ارث برده است. رسالتی که

بقیه در صفحه ۱۱

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدائیان شورایی!